

از توافق وین شادمانیم!



مبارزه پیش‌رو: گشایش سیاسی و سامان اقتصاد به نفع مردم

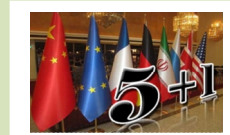
چالش سنگینی که بیش از یک دهه بین جمهوری اسلامی و کشورهای غربی بر سر برنامه هسته‌ای جریان داشت، به پایان رسید و مذاکرات فشرده بین دو طرف در طی دو سال، سرانجام به بار نشست و توافق حاصل گردید. علی‌رغم ارائه جوانبی از توافق توسط ایران و آمریکا به نفع خود، هر دو طرف مذاکرات توافق صورت گرفته را، توافق خوب خواندند. تلاش بی‌وقفه و شبانه‌روزی هیئت‌های نمایندگی و به ویژه هیئت‌های نمایندگی ایران و آمریکا در دست‌بازی به توافق، نقش مهمی داشت. دولت روحانی به مهمترین وعده انتخاباتی خود، جامه عمل پوشاند.

پروژه هسته‌ای با منافع ملی کشورمان و با اقتصاد و وضعیت زندگی گروه‌های وسیعی از مردم گره خورده بود. مردم بی‌تابانه منتظر بودند که مذاکرات به ثمر نشیند، تحریم‌های اقتصادی برداشته شود تا راه برای سروسامان پیدا کردن اقتصاد کشور، راه افتادن واحدهای تولیدی و مهار فقر و بیکاری باز شود. مردم ایران از توافق وین شادمانند. ما نیز از حصول توافق خوشنودیم.

توافق برسر پروژه هسته‌ای، خطر حمله نظامی به مراکز هسته‌ای را دور کرد و راه را برای برداشتن تحریم‌های اقتصادی گشود. این توافق، کارانی مذاکره و دیپلماسی را نشان داد و نیروهائی را که می‌خواستند بحران هسته‌ای را با جنگ حل کنند، عقب نشانند و تلاش نیروهای افراطی برای شکست مذاکرات در دو طرف را ناکام گذاشت. بازندگان این توافق، دلوپسان در ایران، دولت دست راستی اسرائیل و دولت عربستان در منطقه و جمهوری‌خواهان در آمریکا هستند. توافق وین، شکست سیاست جنگ‌طلبانه نئوکان‌ها و موفقیت سیاست گفتگوی دولت اوباما در حل معضل برنامه هسته‌ای ایران را نشان داد. ...

ادامه در صفحه ۳

پاسخ برخی تحلیل‌گران و فعالین سیاسی به پرسش‌های کار- آنلاین در ارتباط با تاثیرات توافق هسته‌ای



- صفحه ۴ - مسعود فتحی: این توافق می‌تواند شرایط را برای تحولات دیگر مهیاتر کند
- صفحه ۵ - رضا علوی: توافق هسته‌ای بسیار شکننده است و مورد تهدید جدی قرار دارد
- صفحه ۶ - عبدالستار دوشوکی: باید بطور واقعگرایانه ای امیدوار بود
- صفحه ۷ - فرخ نعمت‌پور: آرام شدن مناسبات میان ایران و جهان بنفع نیروهای سیاسی مدنی و مسالمت جو در ایران است
- صفحه ۸ - وهاب انصاری: توافقی مثبت و به سود مردم ایران
- صفحه ۹ - حسن نائب هاشم: امیدوارم شاهد کمترین ضرر به منافع ملی مردم کشور مان باشیم
- صفحه ۱۰ - سهراب میشری: عقب نشینی جمهوری اسلامی به سود اکثریت مردم ایران، محیط زیست و صلح است
- صفحه ۱۱ - حسن نادری: سومین جام زهر توسط سید علی خامنه‌ای نوشیده شد
- صفحه ۱۲ - منوچهر مقصودنیا: توافق هسته‌ای نقطه صفر نیست
- صفحه ۱۴ - سیامک فرید: برون آوردن این سنگی که سالها پیش دیوانگانی در چاه افکنده بودند درایت و دیپلماتهای عاقل نیاز داشت تا از چاه خارج شود
- صفحه ۱۶ - احمد پورمندی: توافق: "اقدامی موردی برای رهایی از یک تنگنا"
- صفحه ۱۷ - علی پورنقوی: توافق هسته‌ای مصداق خوبی از یک توافق برد - برد است



توافق جامع در گرو "تحریم تسلیحاتی"؟

علی پورنقوی

پادداشت سیاسی کار- آنلاین

روز ۳۰ ژوئن، اعتبار توافق موقت هسته ای و مهلت خودنهاد برای رسیدن به توافق جامع سر آمد، اما توافق جامعی حاصل نشد. علیرغم این که نمایندگان طرفهای مختلف مذاکرات اعلام کرده بودند که مهلت مذاکرات دیگر تمدید نخواهد شد، این مهلت ابتدا به مدت یک هفته و سپس سه روز دیگر تمدید شد و در حال حاضر نیز تا دوشنبه شب آینده، ۱۲ ژوئیه، تمدید شده است.

می توان با اطمینان نسبی گفت که خواه "تحریم تسلیحاتی" در قطعنامه مورد نظر منظور گردد، خواه منتفی شود یا راه حلی بینابینی برای آن پیدا شود، توافق جامع به گرو "تحریم تسلیحاتی" نخواهد رفت

در جریان این تمدید کردنیهای مکرر نیز باز طرفهای مختلف اظهار داشته اند که "قصد مذاکره بی پایان را ندارند"، اما همین واقعیت تمدیدهای مکرر، به دشواری به استنتاج دیگری جز این که عموم طرفها در صدور رساندن کار به نتیجه نهائی اند، میدان می دهد. در این صورت اگر نخواهیم تقلاها و کشمکشهای روزهای اخیر را، که گاه ظاهراً حصول توافق جامع را ناممکن نموده اند، به بازی صرف تعبیر کنیم، چگونه می توان آنها را توضیح داد؟

این تقلاها و کشاکشها اساساً برای گرفتن امتیازات کوچک ممکن از طرف دیگر در لحظات نهائی مذاکرات اند. لازم به تصریح است که منظور از "طرفها" در این جا، در یک سو ایران و در سوی دیگر آمریکا یا گروه کشورهای ۵+۱ نیستند. در میان گروه کشورهای ۵+۱ کشاکش و تقلائی درونی جریان دارد که به طرز شاخصی در حرکت آمریکا، در مقام وزنه تعیین کننده مواضع آن سوی مذاکره، برای گرفتن امتیازات سیاسی بیشتر، و در حرکت روسیه برای گرفتن امتیازات اقتصادی بیشتر در فردای پس از توافق جامع، متجلی است.

نمونه بارز از این تقلا برای امتیازگیری های خرد در لحظات نهائی مذاکرات، موضوع تداوم یا ختم تحریم تسلیحات متعارف علیه جمهوری اسلامی است. از این موضوع گاه، در کنار ۲ اختلاف بزرگ دیگر، به عنوان یکی از دشواریهای ۴-گانه بر سر توافق نام برده می شود و گاه حتی به عنوان عامل احتمالی شکست مذاکرات. این در حالی است که کاملاً به دشواری متصور است که چه ایران، چه آمریکا و چه هر طرف دیگری بخواهد بر

این پایه و در این مرحله نهائی میز مذاکرات را ترک گوید و عواقب شکست مذاکرات را به نام خود رقم زند.

قرار میان ایران و گروه ۵+۱ این است که یک قطعنامه جدید جایگزین مجموعه قطعنامه های شورای امنیت گردد، که این شورا از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ در پرونده هسته ای جمهوری اسلامی صادر کرده است. تحریم تسلیحات متعارف علیه جمهوری اسلامی در یکی از قطعنامه های شورای امنیت منظور شده است. منتفی نیست که در قطعنامه جدید راه حلی بینابینی، که در اساس متوجه محدودیت فعلیهای موشکی جمهوری اسلامی باشد، حاصل آید. اما می توان با اطمینان نسبی گفت که خواه "تحریم تسلیحاتی" در قطعنامه مورد نظر منظور گردد، خواه منتفی شود یا راه حلی بینابینی برای آن پیدا شود، توافق جامع به گرو "تحریم تسلیحاتی" نخواهد رفت.

با این حال، کشاکش در این مورد، چنان که اشاره شد، یک بازی نیست، بلکه بر سر امتیازات کوچک در آخرین مجالهای باقیمانده است. دولت اوپاما علاقه مند به کسب این امتیاز، یعنی قید تحریم تسلیحاتی متعارف ایران است. این یک امتیاز سیاسی برای او خواهد بود، زیرا در تفسیری که این دولت از "تفاهم لوزان" ارائه کرد، گفته می شد که قطعنامه های شورای امنیت محدودیتهای بسیاری را بر برنامه تسلیحاتی متعارف جمهوری اسلامی اعمال کرده اند و بنابراین نتیجه گرفته می شد که "در یک توافق جامع موجوبی برای تداوم تحریم تسلیحاتی وجود نخواهد داشت."

روند مذاکرات چندین ساله روشن کرده است که روسیه باخت خود در یک توافق جامع را با گرفتن امتیازات از هر طرف که باشد و با زمینه سازی برای امتیازات بعدی در فردای پس از توافق جبران کرده است

روشن است قطعنامه جایگزین تمام قطعنامه های پیشین که در آن از محدودیت برنامه تسلیحاتی متعارف جمهوری اسلامی نشانی نباشد، اوپاما را مشخصاً در برابر کنگره آمریکا و [دیگر] نیروهای مخالف توافق جامع در موقعیت دشواری قرار خواهد داد. به علاوه چنین قطعنامه ای، که حقوقاً به لغو تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی است، امکان به مراتب گسترده تری را برای حمایت تسلیحاتی جمهوری اسلامی از دولت بشار اسد فراهم خواهد آورد. جمهوری اسلامی نیز علاقه مند به کسب

این امتیاز، یعنی لغو تحریم تسلیحاتی متعارف است، زیرا اولاً چنین تحریمی به معنای تداوم تحریمی بدون ارتباط مستقیم به برنامه هسته ای است و ثانیاً لغو آن دست جمهوری اسلامی را برای صدور اسلحه موردنیاز دیگران و ورود اسلحه "مورد نیاز" خودش باز خواهد کرد.

هستند تحلیلگرانی که روسیه را بازنده بزرگ توافق جامع ایران و گروه ۵+۱ می دانند. این ارزیابی خالی از واقعیت نیست، اما نه چندان که روسیه به مخالفت با توافق جامع برخیزد. روند مذاکرات چندین ساله روشن کرده است که روسیه باخت خود در یک توافق جامع را با گرفتن امتیازات از هر طرف که باشد و با زمینه سازی برای امتیازات بعدی در فردای پس از توافق جبران کرده است.

در جریان این تمدید کردنیهای مکرر نیز باز طرفهای مختلف اظهار داشته اند که "قصد مذاکره بی پایان را ندارند"، اما همین واقعیت تمدیدهای مکرر، به دشواری به استنتاج دیگری جز این که عموم طرفها در صدور رساندن کار به نتیجه نهائی اند، میدان می دهد

این نکته در موضوع تداوم "تحریم تسلیحاتی" نیز مشهود است. تشخیص این محاسبه دشوار نیست که اظهارنظر شخص پوتین و نیز لاوروف دایر بر لغو تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی "در نخستین فرصت پس از توافق جامع"، برخلاف ادعای لاوروف که گویا با لغو این تحریم "جمهوری اسلامی می تواند به نحو مؤثرتری با تروریسم مبارزه کند"، نه برای تقویت جمهوری اسلامی در مبارزه با تروریسم، بلکه برای گشودن راه صدور بدون مانع تسلیحات روسی به ایران است. لاوروف نمی گوید کدام نوع سلاحی که این کشور یا حتی هر کشور ثالث ممکن است به ایران بفروشند، می تواند به مؤثرتر شدن مبارزه جمهوری اسلامی علیه تروریسم بیانجامد.

تردیدی نیست که در ظرف و زمینه مذاکرات هسته ای موضوعاتی در فراسوی پرونده هسته ای ایران نیز برای تک تک طرفهای آن مطرح بوده اند. مسائل منطقه نیز از زمره این "حاشیه" هاست و اختلاف بر سر تحریم تسلیحاتی بی ارتباط با این "حاشیه" نیست. اما اگر تا دو روز دیگر که سومین نوبت تمدید مهلت مذاکرات نیز پایان می یابد، توافق جامعی حاصل نشود - امری که بسیار بعید است، این اختلاف بر سر تحریم تسلیحاتی نیست که عدم توافق را رقم زند و توافق جامع را گرو خویش گیرد.

از توافق ...

ادامه از صفحه ۱

پروژه هسته‌ای مبتنی بر غنی‌سازی، پروژه‌ای زینباری برای کشور ما است و چالش برسر این پروژه با غرب و تعلل جمهوری اسلامی برای حل این معضل، هزینه سنگینی بر کشور ما تحمیل نمود. در این مدت صدها میلیارد دلار تلف شد، فرصت‌های طلائی برای ساختن کشور و رشد اقتصادی از دست رفت و بر اثر تحریم‌های بین‌المللی، خسارت جبران‌ناپذیری بر کشور وارد شد. ولی فقیه در پیشبرد این پروژه زینبار نقش اصلی را داشت. توافق صورت گرفته فرصتی برای جمهوری اسلامی فراهم ساخته است که در برنامه غنی‌سازی و تولید انرژی هسته‌ای تجدیدنظر کند. برنامه انرژی هسته‌ای جمهوری اسلامی غیراقتصادی، سرمایه‌سوز، ناپایمن و بی‌چشم‌انداز است. ایران دارای منابع سرشار فسیلی است. لازم است که حکومت ایران یک برنامه تولید انرژی برپایه تحقق تدریجی انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک به جای انرژی‌های فسیلی و هسته‌ای برای آینده طراحی کند.

توافق صورت گرفته می‌تواند فضای جدیدی را در سیاست‌های داخلی، سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی کشورمان فراهم آورد. خصومت بین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در سه دهه و نیم گذشته، به منافع ملی هر دو کشور ضربه زده است. لازم است که جمهوری اسلامی به خصومت دیرینه با دولت آمریکا خاتمه دهد، وارد گفتگوی مستقیم با دولت اوپاما برای برقراری مناسبات عادی بین دو کشور شود. دولت اوپاما علیرغم مخالفت‌ها در کنگره، آماده برقراری مناسبات عادی با دولت ایران است. سیاست توسعه‌طلبانه جمهوری اسلامی به نوبه خود، تنش در منطقه را افزایش داده و زمینه‌ساز جنگ نیابتی بین ایران و عربستان شده است. در طراحی و پیشبرد این سیاست، سپاه نقش بالائی دارد. زمان آن است که به دخالت سپاه در سیاست خارجی و منطقه‌ای پایان داده شود، سیاست صلح و تنش‌زدائی اتخاذ گردد و ظرفیت‌های ایران در خدمت کاهش تنش در منطقه قرار گیرد.

با وجود گشایش در مناسبات بین جمهوری اسلامی و کشورهای +۵، فضای سیاسی در داخل کشور به شدت امنیتی است. خواست عمومی این است که فضای امنیتی برداشته شود، راست افراطی و امنیتی - نظامی‌ها مهار گردند و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و آزادی تشکلیابی گروه‌های مختلف اجتماعی تامین گردد. اما سخنان علی خامنه‌ای در روزهای گذشته به ویژه در جمع دانشجویان دست‌چین شده، نشان می‌دهد که او هم‌چنان بر طبل اختناق می‌کوبد و قصد ندارد در سیاست‌های داخلی، منطقه‌ای و در خصومت با آمریکا تغییری به وجود آورد. با این وجود باید گردانندگان جمهوری اسلامی را برای تغییر سیاست‌ها و باز کردن فضای سیاسی کشور تحت فشار قرار داد و از حسن روحانی خواست که از فرصت به دست آمده بهره گیرد و به وعده خود برای شکستن فضای امنیتی و تامین حقوق شهروندی جامه عمل پوشاند.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) توافق وین را به سود منافع ملی و مردم کشورمان می‌داند و از آن استقبال می‌کند و امیدوار است که تنش‌زدائی با غرب و آشتی با جامعه بین‌المللی آغاز شود، توافق در بهبود زندگی مردم موثر افتد، فضای تازه‌ای در کشور گشوده شود، دو طرف مذاکرات بر تعهدات خود پای‌بند بمانند، مانع برهم زدن توافق توسط نیروهای افراطی شوند و بردشواری‌های موجود در پیشبرد قرارداد توافق غالب آیند.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۳ تیرماه ۱۳۹۵ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵)

توافق: "اقدامی موردی ...

ادامه از صفحه ۱۶

دوران وفاق ملی و حمایت همه جانبه از دولت روحانی تمام شده و این دولت نیازمند باز تعریف جایگاه و نقش خویش است. برای تحقق هر وعده‌ای، دولت به "خط قرمز"هایی بر می‌خورد. مراجع دوست ندارند که زنان به استادیوم‌ها بروند و "آقا" از فتنه خوشش نمی‌آید. تا حصر رهبران جنبش سبز ادامه دارد، جوان‌های کم و بیش آگاه را نمی‌توان با گفتار درمانی خام کرد. طبقه متوسط فرهنگی دوست دارد که در تالارهای موسیقی صدای دنواز خوانندگان زن را بشنود، اما حاج صادق لاریجانی این را کفر می‌داند. خلاصه، اغلب جاهای این دولت اعتدال "اسیب پذیر" است! برای آنکه دولتی بتواند به مردم وعده‌های خوب بدهد و آنها را هم به اجرا در آورد، باید یک جهت‌گیری اجتماعی روشن و یک پایگاه اجتماعی نسبتاً با دوام داشته باشد. دولت روحانی فاقد چنین چیز است و بعید است بتواند خود را به گونه‌ای قابل فهم باز تعریف کند و سرنوشتی بهتر از دولت خاتمی داشته باشد.

- فکر میکنید فضای سیاسی بعد از توافق با پیش از آن به کدام جهت سمتگیری کند، به طرف بازشدن یا بسته شدن؟

فضای بسته تر از اینی که هست، در دوران انفجار اطلاعات و در جامعه‌ای نسبتاً رشد یافته مثل ایران، اساساً قابل تصور نیست. اما اینکه فضا بازتر بشود، "بستگی دارد!" اینجا یک مبارزه خیلی جدی اجتماعی جریان دارد که قدمتش به قبل از مشروطه و نهضت باب می‌رسد. رابطه فقیه و آزادی، مثل رابطه جن و بسم الله است. جنبش سبز، آخرین برآمد بزرگ آزادیخواهانه بخش آگاه جامعه ما بود که بدست فقیهان و عملیات نظامی - امنیتی آنها، به عقب رانده شد. جنبش‌های مطالباتی نظیر جنبش‌های رو به رشد کارگری، جنبش معلمان و ... بسیار مهم هستند، اما زمانی نتایج مستقیم سیاسی خواهند داشت که با یک جنبش اصیل سیاسی در ارتباط قرار بگیرند. این جنبش که در حافظه جمعی ایرانیان ثبت شده و از ظرفیت بالای احیا و فعال شدن بهره‌مند است، طبعاً جنبش سبز است که سیر محتمل احیای آن هم از مسیر برجسته کردن شعار رفع حصر رهبران آن میگذرد. راه سبز فتنه و امید مطمئن‌ترین و محتمل‌ترین راه گذار مسالمت‌آمیز جامعه ما به دموکراسی است. هر چه جامعه بیشتر بر این راه بکوبد، شانس عقب راندن استبداد هم افزایش می‌یابد.

- به نظر شما انجام این توافق تا چه حد میتواند در رفع و بهبود دشواریهای اقتصادی و معضلاتی مانند فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی موثر واقع شود و چقدر میتواند راهبرد سیاسی - اقتصادی دولت را متحول و بر جهت‌گیری آن نقش داشته باشد؟
به این موضوع در پاسخ به سوالات دیگر پرداخته ام.

- اگر توضیح دیگری را لازم می‌دانید برای خوانندگان سایت کارآنلاین در خصوص توافق هسته‌ای در میان بگذارید، بفرمایید.

تدریدی نیست که دو انتخابات مجلس شورا و خبرگان بسیار مهم هستند و باید با سهم‌گیری جدی در روند انتخابات، ...



این توافق می تواند شرایط را برای تحولات دیگر مهیاتر کند

مسعود فتوحی

نتیجه را حداقل به مردم اعلام کند.

- فکر میکنید فضای سیاسی بعد از توافق با پیش از آن به کدام جهت سمتگیری کند، به طرف بازشدن یا بسته شدن؟

پیش بینی این امر خیلی دشوار است. آرزوی همه ما این است که فضای سیاسی رو به باز شدن برود، ولی تجربه نشان داده است که این امر به این سادگی نیست. آن ها که مخالف به نتیجه رسیدن مذاکرات اتمی بودند، نفوذ زیادی در ارگان های سرکوب و در دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی دارند. عقب راندن آن ها در این عرصه، نیازمند توازن قوای بسیار قدرتمندی است. برآمد جامعه مدنی می تواند بر زمینه تغییرات بعد از اجرای توافقنامه، در تامین شرایط برای تغییر فضای سیاسی موثر باشد. نباید فقط منتظر اقدامات دولت و حکومت ماند، بلکه باید با فرموله کردن مطالبات و خواسته های خود در زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گام به گام در جهت تحقق آن ها تلاش کرد و انجام آن ها را به حکومت تحمیل کرد.

- به نظر شما انجام این توافق تا چه حد میتواند در رفع و بهبود دشواریهای اقتصادی و معضلاتی مانند فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی موثر واقع شود و چقدر میتواند راهبرد سیاسی- اقتصادی دولت را متحول و بر جهت گیری آن نقش داشته باشد؟

همان طور که گفتیم انجام این توافق می تواند شرایط را برای تحولات دیگر مهیاتر کند ولی به خودی خود به دگرگونی منجر نمی شود. بهبود شرایط اقتصادی، پرداختن به معضلات ریشه داری مثل فقر، بیکاری و ... نیازمند برنامه ریزی دراز مدت و تحولات بنیادی در ساماندهی در اقتصاد کشور است. تاکنون دولت برنامه ریزی خاصی در این مورد نکرده است. هر چند در مهار تورم و بازسازی برخی خرابی های دولت قبلی تا حدی موفق بوده است، ولی هنوز برخورد ریشه ای به مشکلات پیششاروی اقتصادی نکرده است. افشای فساد و تبهکاری در اقتصاد کافی نیست، باید برنامه ای برای خشکاندن ریشه های فساد در اقتصاد داشت. فقر و بیکاری اگر چه بر اثر تحریم بیشتر شده است ولی معلول تحریم ها نیست، بلکه قبل از همه نتیجه سیاست های اقتصادی تاکنونی حکومت است.

- اگر توضیح دیگری را لازم می دانید برای خوانندگان سایت کارآنلاین در خصوص توافق هسته ای در میان بگذارید، بفرمایید.

باید امیدوار بود که این توافق به اجرا دربیاید و مخالفان این توافق چه در ایران و در ایالات متحده و چه در منطقه نتوانند خللی در پیشبرد آن ایجاد کنند. خود این امر یک گام مهم به جلو است و می تواند با گام های دیگر تکمیل شود. در همین حد هم سایه جنگ از سر کشور کم شده است. با لغو تحریم ها حداقل در زندگی روزمره مردم می تواند گشایشی ایجاد شود. همین اندازه هم مایه خشنودی است.

روی کار آمدن دولت روحانی این امکان را فراهم کرد که دول غربی مذاکره با ایران را جدی تلقی کنند و روی امکان توافق حساب باز کنند. در واقع هم توافق نشانه موفقیت دیپلماسی بود و دولت اوباما به ویژه آقای کری نقش تعیین کننده ای در این موفقیت داشت. در مورد حکومت ایران، سپردن پیشبرد مذاکرات به وزارت خارجه امر مهم و چرخشی در سیاست خارجی بود. درعین حال تنگنایی که تحریم ها با توجه به تاثیر مخربشان بر اقتصاد بیمار ایران و زندگی و گذاران روزمره مردم داشتند، نشان داد که قطعنامه ها کاغذپاره نیستند. همین واقعیت هم در عقب نشینی بخشی از حکومت از مواضع خود بی تاثیر نبود. همچنین اراده دولت جدید که با شعار حل بحران اتمی بر سر کار آمده بود، در پیشبرد مذاکرات و حصول به توافق نقش مهمی داشت.

- آیا این توافق هسته ای می تواند موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در کوتاه یا میان مدت شود؟

توافق به خودی خود نمی تواند موجب تغییرات چندانی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی شود، ولی شرایط را بر ای چنین تغییراتی بهتر کرده است و می تواند بسیاری از موانع تاکنونی از جمله تحریم ها و انزواک سیاسی را از سر راه بردارد. ولی بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی نیازمند برنامه ریزی و تغییر در سیاست ها تاکنونی جمهوری اسلامی و حرکت در جهت ایجاد اشتغال، تامین امنیت و پایان دادن به رانت خواری و فساد در اقتصاد جامعه است. باید توجه داشت که بخش عمده اقتصاد کشور ما دست نهادهای نظامی و امنیتی و یا در گرو بنیادها و موسساتی است که علیرغم تغذیه از بودجه دولتی به هیچ کس پاسخگو نیستند و مالیاتی به دولت نمی پردازند. اول باید تدابیری برای کوتاه کردن دست نهادهای نظامی از اقتصاد بشود. بنیادها و نهادهای مشابه ملزم به پرداخت مالیات و تحت نظارت دولت درآیند، فکری برای مبارزه با رانت خواری و بندرهای واردات کالای قاچاق و ... بشود، آن وقت می شود از امکان بهبود وضعیت اقتصادی حرف زد. قطعا با لغو تحریم اندکی تغییر در اوضاع حاصل خواهد شد، ولی هنوز تا بهبود اقتصادی و اجتماعی راه درازی در پیش است.

- روحانی انجام وعده های انتخاباتی اش به مردم را موکول به بعد از دست یافتن به این توافق کرده بود، فکر میکنید اینک که توافق حاصل شده، او شروع به وعده هایی که به مردم داده بود کند؟

حداقل انتظار جامعه آن است که حکومت بعد از توافق در سطح بین المللی، با ملت هم وارد توافق بشود و به حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی آن ها احترام بگذارد. آقای روحانی هم به وعده هایش در این مورد از جمله آزادی زندانیان سیاسی، برچیدن فضای امنیتی و رفع حصر از خانم زهرا رهنورد و آقایان موسوی و کروبی عمل کند. هر چند همه این امور خارج از حیطه اختیارات دولت به عنوان قوه مجریه است، ولی قطعا دولت می تواند وارد بحث جدی با مقامات مسئول در این مورد از جمله شخص آقای خامنه ای و قوه قضائیه بشود و

- مذاکره ایران و +۱، بر سر مسئله هسته ای پس از سال ها کشمکش و فراز و فرود سرانجام به نتیجه رسید و طرفین در پیش از ظهر سه شنبه ۱۴ ژوئیه در وین پایتخت اتریش، سندی را که در مورد آن به توافق رسیده بودند امضاء کردند. نظر و ارزیابی شما از این توافق چیست، آیا آن را عادلانه و مثبت و به سود ایران و مردم میدانید یا به سود حکومت؟

توافق جامع در وین یک دستاورد مهم برای دیپلماسی جهانی طی یک دهه اخیر است. این توافق بعد از حدود دوازده سال تنش بر سر برنامه اتمی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به عواقب هر گونه راه حل دیگری برای همه طرفین به دست آمده است. در برخورد به این توافق قبل از همه باید به این واقعیت توجه داشت که بار بزرگی از دوش مردم و کشور ما در حال برداشته شدن است. خطر جنگ و نگرانی های ناشی از آن با این توافق و اجرای آن منتفی است. راه برای لغو تحریم های اقتصادی و سیاسی هموار شده است. شرایط برای برخورداری از جایگاه مناسب برای کشور ما در معادلات منطقه ای و جهانی بازتر شده است. امکان پرداختن به مسائل اقتصادی و اجتماعی بیشتر شده است. همه این ها به سود کشور و مردم ایران است. این که حکومت بتواند با اجرای این قرارداد از فرصت هایی که ایجاد شده است، تا چه حد استفاده کند، روشن نیست، این امر کلا به توازن درونی آن بستگی دارد. آن چه که مسلم است در کانون اصلی قدرت جمهوری اسلامی در مورد این توافق اختلافی نیست، ولی در ارزیابی از نتایج آن و چگونگی ادامه روند این توافق ممکن است، اختلاف بروز کند.

- اوباما در پی امضای این توافقنامه آن را نشانه ای از کامیابی سیاست جدید آمریکا در حل مناقشات بین المللی از طریق سیاسی خواند، این گفته را تا چه حد درست می دانید و آیا می شود امضاء توافق حکومت در ایران را نیز نشانه ای از یک چرخش در سیاست خارجی دانست یا نه اقدامی است موردی برای خلاصی از یک تنگنا؟

واقعیت این است که با روی کار آمدن اوباما در ایالات متحده چرخش جدی در سیاست دولت آمریکا نسبت به برنامه اتمی ایجاد شد. یکی از شروط اصلی برای مذاکره با ایران یعنی اول تعلیق غنی سازی و بعد مذاکره، از روی میز برداشته شد. اما در رهبری جمهوری اسلامی هنوز این آمادگی وجود نداشت که وارد مذاکره جدی بر سر این موضوع با ایالات متحده بشود. به خصوص بعد از برآمد جنبش سبز و تلاش حکومت برای سرکوب آن، فضا کاملا دگرگون شد. هنوز از «سیاست خارجی تهاجمی» حمایت می شد و همین سیاست هم بود که موجب رفتن پرونده ایران به شورای امنیت و صدور ۵ قطعنامه و برقراری تحریم ها علیه کشورمان شد. در واقع می شود گفت تغییر سیاست در ایران و به خصوص تغییر دولت و



توافق هسته ای بسیار شکننده است و مورد تهدید جدی قرار دارد

رضا علوی

- مذاکره ایران و ۱+۵، بر سر مسئله هسته‌ای پس از سال‌ها کشمکش و فراز و فرود سرانجام به نتیجه رسید و طرفین در پیش از ظهر سه شنبه ۱۴ ژوئیه در وین پایتخت اتریش سندی را که در مورد آن به توافق رسیده بودند امضاء کردند. نظر و ارزیابی شما از این توافق چیست، آیا آن را عادلانه و مثبت و به سود ایران و مردم میدانید یا به سود حکومت؟

از نخستین روز، ماجراجویی‌های هسته‌ای برای مردم و ایران ناعادلانه بوده است بنابراین توقف آن برای ایرانیان یک دستاورد و بازگشت به نقطه ۱۳ سال پیش است. ستمی بود که بر مردم روا داشته شده بود و اینک آن ستم رفع شده است. بدون تردید هم بسود مردمان است و هم به سود بالایی‌ها. اما در توافق مفهوم عدالت نایجا است. اینکه آیا مضامین و جزئیات جمع‌بندی‌های توافق برای حکومتیان یا برای دولت‌های ۱+۵ عادلانه است یا خیر؛ این دیگر دل‌نگرانی مردم نیست، اما تا جایکه قرارداد را خوانده‌ام، دولت ایران کمتر گرفته و بیشتر داده است.

- اوپاما در پی امضای این توافقنامه آن را نشانه‌ای از کامیابی سیاست جدید آمریکا در حل مناقشات بین المللی از طریق سیاسی خواند، این گفته را تا چه حد دروست میدانید و آیا می‌شود امضاء توافق حکومت در ایران را نیز نشانه‌ای از یک چرخش در سیاست خارجی دانست یا نه اقدامی است موردی برای خلاصی از یک تنگنا؟

توافق و مذاکرات نشانه‌ای از تغییر مسیر راهبردی آمریکا در حوزه سیاست خارجی به خصوص نسبت به ایران و منطقه خاورمیانه است. زمانی که اوپاما به ریاست جمهوری رسید اولین جمله‌ای که گفت، مذاکره بدون پیش شرط با ایران بود. این ادبیات با ادبیات دوران بوش متفاوت بود. هر چند که آمریکا و کشورهای ۱+۵ به ایران بی اعتماد هستند اما اوپاما در تلاش است برگ جدیدی در روابط ایران و آمریکا ایجاد کند. هنوز شکاف‌های زیادی وجود دارد تا بتواند مسایل مربوط به روابط ایران و آمریکا را آسان کند.

ساعت‌ها مذاکرات رودرروی وزرای خارجه ایران و آمریکا، شکستن تابوی مذاکره است. از این رو معتقدم وقتی تابوی مذاکره شکسته شده، تابوی روابط نیز قابل شکستن است.

رسیدن به توافق هسته‌ای با ایران برای اوپاما یک دستاورد بزرگ محسوب خواهد شد؛ دستاوردی در حد دیپلماسی نیکسون در قبال چین در دهه ۷۰.

شواهد نشانگر آن است که در ایران نیز

نشانه‌ای از یک چرخش در سیاست خارجی دیده می‌شود. و سیاست وزارت امور خارجه ایران گریز از تنش در روابط بیم‌المللی است. اما حضور تخریبی رهبر و اخذ مواضع ستیزه جویانه‌ی وی و ستاد قدرت‌اش با آمریکا، تنگنایی ژرف و پدیده‌ای است خطرناک.

- آیا این توافق هسته‌ای می‌تواند موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در کوتاه یا میان مدت شود؟

بدون تردید تاثیر بسزایی خواهد گذاشت. هرچند که افشار میانه به بالا بهره‌ای بیشتر خواهند برد. درآمد جدید موجب بهبود وضعیت مالی دولت می‌شود و می‌تواند موجب کمی جهش در بهبود اوضاع اقتصادی شود. این پول به راحتی دارایی دولت در زمینه ارز خارجی را دو برابر و از ۳۰ میلیارد دلار به ۶۰ میلیارد دلار در سال می‌رساند، یعنی بیش از اندازه‌ای که برای پر کردن شکاف به وجود آمده از قیمت پایین نفت و جمع‌آوری مالیات به وجود آمده است.

اما خرج سریع این پول هم موجب ایجاد مشکلاتی خواهد شد. آیا تیم اقتصادی روحانی از مشکلاتی که ارز زیادی می‌تواند برای تولید کنندگان داخلی به وجود بیاورد آگاه هستند یا نه؟ و آیا توان رفع آن را دارند؟ این مشکل بیماری هلندی نام دارد که موجب صنعتی زدایی و در نتیجه صادرات منابع طبیعی می‌شود.

- روحانی انجام وعده‌های انتخاباتی‌اش به مردم را موکول به بعد از دست یافتن به این توافق کرده بود، فکر میکنید اینک که توافق حاصل شده، او شروع به وعده‌هایی که به مردم داده بود کند؟

گمانم بر این است که اگر اعتدالیون توان پیشروی و تسخیر نهاد‌های قدرت را داشته باشند می‌تواند تأثیری (چه اندک) بر وعده‌های روحانی بگذارتد اما با توجه به ساختار قدرت و نقش تخریبی رهبر تردید وجود دارد. در زمینه رفع بحران‌های اقتصادی، روحانی و تیمش شاید موفقیت‌هایی بدست آورند اما در حوزه حقوق بشر و رفع حصر تردید وجود دارد. موارد امنیتی، همچون گذشته در دهلیزهای ساختار قدرت، باقی خواهد ماند.

- فکر میکنید فضای سیاسی بعد از توافق با پیش از آن به کدام جهت سمنگبری کند، به طرف بازشدن یا بسته شدن؟

پس از توافق قرار بر این است که ایران از انزوای جهانی بیرون آید. در تیوری سیاسی و تجربه تاریخی آموخته‌ایم که کشورهای که از انزوا بیرون آیند و از غرب ستیزی و آمریکا ستیزی گریزان باشند زمینه و بستر نسبی آزادی‌های سیاسی را فراهم می‌کنند، افزون بر آن آزادی سرمایه و توسعه اقتصادی، می‌تواند زمینه ساز دموکراسی و ایجادگر توسعه سیاسی باشد و بر عکس.

اما ساختار قدرت در ایران به گونه‌ای است که به عنوان مانع اساسی و اصلی، امکانات

وجود نهادهای مدنی، روزنامه‌ها و رسانه‌ها و احزاب را فراهم نمی‌کند، بنابراین فضای سیاسی ایران در سنگلاخ گیر خواهد کرد و با چالش‌های جدی در تقابل خواهد بود.

- به نظر شما انجام این توافق تا چه حد میتواند در رفع و بهبود دشواریهای اقتصادی و معضلاتی مانند فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی موثر واقع شود و چقدر میتواند راهبرد سیاسی-اقتصادی دولت را متحول و بر جهت‌گیری آن نقش داشته باشد؟

به سبب هجوم شرکت‌های اروپایی به ایران و نیز ورود مواد اولیه برای کارخانجات و موسسات تولیدی، چرخهای زنگزده کارخانجات به کار می‌افتد و کار آفرینی می‌شود و بیکاری کاهش می‌یابد اما این بدان معنا نیست که فقر هم کاهش یابد. به سبب نبود توزیع عادلانه ثروت و وجود رانت خواری شکاف طبقاتی پا بر جا خواهد ماند.

- اگر توضیح دیگری را لازم می‌دانید برای خوانندگان سایت کارآنلاین در خصوص توافق هسته‌ای در میان بگذارید، بفرمایید.

توافق هسته‌ای (یا جمع‌بندی مذاکرات) در میدانگاه حملات و نابودی قرار دارد. بسیار شکننده است و مورد تهدید جدی قرار دارد. در صورت ناکامی، خطرات جدی همچون جغد شوم جنگ ایران را تهدید می‌کند. بسیاری در حال فراهم کردن پیش درآمد‌های ناکامی و شکست توافق هسته‌ای می‌باشند. این یک اخطار و هشدار جدی است.

بولتن کارگری شماره ۹۱

تحلیل هفته: از تجمع ۳۱ تیر معلمان حمایت و به آن بیونیدیم!

از تجربه دیگران: - جنبش اتحادیه‌های صنفی در یونان- بخش ۴

اخبار خارجی: - بریتانیا: بزرگ‌ترین تعرض حزب محافظه‌کار به اتحادیه‌های کارگری جهان

- مبارزه جهانی کارگران کشاورزی برای تأمین حق کار

- آندونزی: بنای آپارتمان‌های ارزان‌قیمت برای کارگران قراردادی

کارگران ایران: - انتخابات شورای

اسلامی کار معدن بافق تحریم شد

- تجمع کارگران شرکت ارفع سازان کرمان

- ۱۴ روز اعتراض کارگران سیمان کارون

- پلی اکریل اصفهان،

- بیکاری کارگران و فاجعه زیست محیطی

- ۷ میلیون کارگر با دستمزدی پایین تر

از حداقل حقوق رسمی

و ...

www.kar-online.com



باید بطور واقعگرایانه ای امیدوار بود عبدالستار دوشوکی

سمتگیری کند، به طرف باز شدن یا بسته شدن؟

بهر حال جدال نیروهای آزادیخواه با اقتدارگرایان خودمحور که منافع خود را در حفظ سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم می بینند، تشدید خواهد شد. نمی خواهم با استناد به تجربه تلخ ۳۶ ساله جمهوری اسلامی بذر یاس و نومیدی در اذهان هموطنان بپاشم. زیرا معتقدم باید امیدوارانه در مقابل نیروهای ارتجاعی و فاسد ایستادگی کرد. متأسفانه نمی توانم پیش بینی کنم که در این نبرد حق علیه باطل چه کسی در کوتاه مدت پیروز خواهد شد. اما نیک می دانم بدون طرح مطالبات مدنی و درخواست مصرانه از دولت روحانی برای تحقق وعده های انتخاباتی او، پیروزی و باز شدن فضای بسته کنونی امکان پذیر نیست.

- به نظر شما انجام این توافق تا چه حد میتواند در رفع و بهبود دشواریهای اقتصادی و معضلاتی مانند فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی موثر واقع شود و چقدر میتواند راهبرد سیاسی-اقتصادی دولت را متحول و بر جهت گیری آن نقش داشته باشد؟

همانگونه که اشاره کردم دولت حمدی نژاد بیش از هفصد میلیارد دلار درآمد ارزی داشت. اما در طی هشت سال زمامت وی، فاصله طبقاتی افزایش فاحشی داشت و چپاولگری و فساد همانند سرطان کشنده به کلیه ارکان و ابعاد اقتصاد تسری پیدا کرد و باعث فقر، بیکاری، تورم و رکود اقتصادی شد. کل اقتصاد ایران در حال حاضر از منظر تولید ناخالص داخلی قریب به هزار میلیارد دلار (یک تریلیارد دلار) ارزش دارد و از کشورهای نظیر عربستان سعودی، سوئد، تایوان، آرژانتین، هلند، لهستان، مالزی، بلژیک، سوئیس در رده بالاتری قرار دارد. اما این یک اقتصاد رانتخوار و دلال منشی است که بطور بسیار یکسویه ای به نفع طبقه حاکم و بر علیه طبقه زحمتکش طرح ریزی شده است و با زور سرنیزه و طناب دار و زندان حفظ می شود.

اگر روحانی نتواند ساختار معیوب فعلی و مناسبات اختلاس محور و دلال منشی سودجویانه اقتصاد ایران را متحول کند، در آن صورت نمی توان زیاد امیدوار بود. زیرا بستر بیعدالتی و عوامل فراگسترده فساد و سوءمدیریت مانند مناسباتهای (فراپخش های) سرطان مهلک اجازه رشد به اقتصاد ایران را نخواهند داد. اقتصاد را نمی توان از بقیه اجزای بیمار و ناتوان نظام تفکیک نمود. حتی مدل "چینی" فضای سیاسی بسته توأم با اقتصاد باز در ساختار جمهوری اسلامی امکان پذیر نیست. در نهایت علیرغم همه این ذکر مصیبت ها، باید بطور واقعگرایانه ای امیدوار بود.

دو بر این نکته تاکید کرده اند. شاید آیت الله خامنه ای و اصولگرایان رانت خوار آن را یک "نرمش قهرمانانه" برای برون رفت از یک بن بست بخصوص تلقی کرده، و با بیشتر از آن مخالفت می کنند. اما روحانی و ظریف می دانند که اتخاذ شیوه تعامل با دنیا و فاصله گرفتن از ذهنیت "دشمن تراشی" پیش شرط توسعه و تعالی کشور می باشد. یا وگرنه اگر این توافق همانند نوشیدن دو جام زهر قبلی یک جام زهر مقطعی باشد، در آنصورت بستر تقابلی و رشد تضاد و تنش و عقب ماندگی نسبی ایران همچنان ادامه خواهد داشت.

- آیا این توافق هسته ای می تواند موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در کوتاه یا میان مدت شود؟

بطور نسبی یا جزئی می توان اندکی امیدوار بود. زیرا نه تنها تار و پود اقتصاد ایران، بلکه شالوده آن بر اساس سوءمدیریت، ناکارایی، فساد، رانت خواری و اختلاس نهادینه شده بنا شده است. تا زمانی که ساختار اقتصادی ایران از فساد میرا و شفاف نگردد، تزریق دلارهای نفتی به داخل جیب های بی ته مفسدین کارآمد نخواهد بود. بعنوان مثال در دوران احمدی نژاد نیز بیش از هفصد میلیارد دلار عاید ایران شد.

همه ما می دانیم آخر و عاقبت آن همه پول چی شد. متأسفانه صف متقاضیان و منتظران این دلارها بسیار طولانی است. علاوه بر مفسدین داخلی، بسیاری دیگر نیز از یمن و عراق گرفته تا لبنان و سوریه چشم به راه دلارهای نفتی ایران هستند.

- روحانی انجام وعده های انتخاباتی اش به مردم را موکول به بعد از دست یافتن به این توافق کرده بود، فکر میکنید اینک که توافق حاصل شده، او شروع به وعده هایی که به مردم داده بود کند؟

روحانی بخشی از نظام است و در نتیجه در برخی از موارد نمی خواهد و در بسیاری از موارد دیگر نمی تواند وعده های انتخاباتی خود را عملی کند. ایشان باید بعنوان چرخ دنده دار یک دستگاه فاسد و عرقه در اختلاس و بی کفایتی عمل کند. ایشان نمی توانند در خارج از ساختار نظام جمهوری اسلامی یا در جهت خلاف آن حرکت کنند.

البته بعضی از وعده های نه چندان اساسی عملی خواهند شد. اما وفا کردن به همه وعده ها و بخصوص وعده های مهم در راستای شفاف سازی فضای اقتصادی، مبارزه با رانت خواری، آزادی زندانیان سیاسی و احترام به حقوق بشر، رعایت حقوق اقلیت ها و اقوام و کاهش تنش با دنیای بیرونی، در چارچوب ساختار فعلی جمهوری اسلامی میسر شدنی نیست.

- فکر میکنید فضای سیاسی بعد از توافق با پیش از آن به کدام جهت

- مذاکره ایران و +5، بر سر مسئله هسته ای پس از سال ها کشمکش و فراز و فرود سرانجام به نتیجه رسید و طرفین درپیش از ظهر سه شنبه ۱۴ ژوئیه در وین پایتخت اطریش سندی را که در مورد آن به توافق رسیده بودند امضاء کردند. نظر و ارزیابی شما از این توافق چیست، آیا آن را عادلانه و مثبت و به سود ایران و مردم میدانید یا به سود حکومت؟

من این توافق را مثبت و بطور نسبی به سود ایران و مردم ارزیابی می کنم. متأسفانه جمهوری اسلامی از بدو پیدایش خود، علاوه بر سیاست های نابخردانه بین المللی و سرکوب داخلی، ملت ایران را درگیر سه پروژه بسیار زیانبار نمود. پروژه گروگان گیری که علاوه بر خدشه دار کردن حیثیت ایران و ایرانی، میلیاردها دلار برای مردم ایران هزینه داشت. در نتیجه زمانی که توافق نامه الجزایر امضاء شد و جمهوری اسلامی جام زهر را سر کشید، به نفع مردم ایران بود. در مورد جنگ نیز سرکشیدن جام زهر توسط آیت الله خمینی موجب شادکامی و سرور ملت خسته از جنگ شد. پروژه هسته ای نیز چیزی جز خسران و زیان میلیاردی برای ایران نداشته. به همین دلیل نوشیدن جام زهر هسته ای توسط جمهوری اسلامی موجب شادی مردم شد. البته پروژه هسته ای بهانه ای بود برای سرکوب و لاپوشانی بی کفایتی گسترده در مدیریت اقتصادی و دستاویزی برای فساد و دزدی و رانت خواری مسئولین حکومتی و عوامل آن. این مردم بودند که هزینه اصلی را می پرداختند.

- اوپاما در پی امضای این توافقنامه آن را نشانه ای از کامیابی سیاست جدید آمریکا در حل مناقشات بین المللی از طریق سیاسی خواند، این گفته را تا چه حد دروست میدانید و آیا می شود امضاء توافق حکومت در ایران را نیز نشانه ای از یک چرخش در سیاست خارجی دانست یا نه اقدامی است موردی برای خلاصی از یک تنگنا؟

دکترین اوپاما که مبتنی بر دیپلماسی و حل مسالمت آمیز تنش های بین المللی می باشد، با مخالفت شدید طرفداران اسرائیل و افراطی های خشونت گرا بخصوص در طیف حزب جمهوری خواهان روبرو شده است. این روش در راستای حل معضل هسته ای ایران کارگشا و عقلانی بود. بعقیده من، علیرغم ادعاهای آیت الله خامنه ای، این گشایش می تواند نقطه عطفی در سیاست خارجی ایران باشد. روحانی و ظریف هر



آرام شدن مناسبات میان ایران و جهان برفع نیروهای سیاسی

مدنی و مسالمت جو در ایران است

فرخ نعمت‌پور

دردها را درمان کند و یا اینکه تضییع یک تغییر کلان را در بطن خود داشته باشد. جمهوری اسلامی به این امر مهم اخیر، بدون تغییر در نگاههای کلان خود در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی قطعاً نائل نخواهد آمد. بنابراین گمان آن می‌رود که علیرغم تلاش جناحهایی از این حکومت در راستای تطبیق خود با استانداردهای جهانی، اما کلیت رژیم هنوز با برگزیدن راهی دیگر مشکل جدی دارد.

روحانی انجام وعده‌های انتخاباتی اش به مردم را موکول به بعد از دست یافتن به این توافق کرده بود، فکر میکنید اینک که توافق حاصل شده، او شروع به وعده‌هایی که به مردم داده بود کند؟

به نظر من روحانی حرکت‌هایی را شروع خواهد کرد، آن هم بدو دلیل، دلیل اول بعلت وعده‌هایی که داده بود، و دلیل دوم بعلت اینکه بدون یک سری رفرم‌های سیاسی، سرمایه‌کامکان از امنیت لازم و درازمدت برخوردار نخواهد شد. البته دلیل دیگری هم وجود دارد که آن هم دلیل جایگاه این نیرو به عنوان نیروی اعتدال و تفاهم می‌باشد. اما چنانکه همه ما می‌دانیم صحنه سیاسی ایران بسیار پیچیده‌تر از آن است که تصور می‌شود. نیروی اعتدال تنها در بخش قوه اجراییه اقتدار دارد، تازه آن هم با هزار تا اما و اگر، و حتی اگر بر فرض هم در انتخابات آینده در مجلس به اکثریت نائل شود، باز قوه قضائیه، نهاد رهبری، طیف وسیع امامان جمعه، بخش مهمی از نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی و سرانجام اقتصاد در سایه، در خارج از توان کنترل آن قرار خواهد داشت. آقای روحانی اگر بخواهد حرکت کند باید متکی بر مردم و جامعه مدنی حرکت کند، امری که به نظر نمی‌رسد زیاد روی آن سرمایه‌گذاری کند. به نظر من استراتژی اصلی وی عبارت است از آوردن دوباره نیروهایی از اصلاح‌طلبان و از این طریق ایجاد جوی که در آن خودبخود بعلت وجود اصلاح‌طلبان و نیروهای معتدل کارهایی بتدریج به یمن حضور آنان انجام شود، و بدین طریق افسانه شکست‌ناپذیری مطلق اصولگرایان تندرو برای همیشه شکسته شود. طیف روحانی، طیفی است که جمهوری اسلامی را بدون حضور اصلاح‌طلبان بدون آینده می‌بیند و به همین جهت روی حضور آنان در صحنه سیاسی کشور تاکید ویژه دارد.

- فکر میکنید فضای سیاسی بعد از توافق با پیش از آن به کدام جهت سمتگیری کند، به طرف بازشدن یا بسته شدن؟

به نظر من بازشدن فضای سیاسی کشور تنها به اقدامات دولت بستگی ندارد، بلکه به نوع عکس‌العمل مداوم مردم نیز در صحنه سیاسی کشور بستگی دارد. ...

ادامه در صفحه ۱۹

حل نظامی هم مدام مورد توجه وی بوده، اما اگر به کارنامه وی نگاه کنیم می‌بینیم که عمدتاً بر طریق اول پافشاری کرده است. پیشبرد سیاست از طرق سیاسی، خرد خاص خود را می‌طلبد که او با ما نشان داده در پی استفاده از آن بوده است. به نظر من تفسیر وی از این توافقنامه کاملاً درست است و باید از این لحاظ به وی تبریک گفت. از یاد نبریم تمام فشارهایی را که از طرف محافل تندرو و نئوکانها به وی در جریان مذاکرات وارد آورده شد (که البته هنوز هم ادامه دارد)، تا وی را وادار به عقب نشینی کنند. البته بگذارید که امر وجود ایده‌ها در افراد را پدیده‌ای ذاتی نیندازیم، بلکه بیشتر آن را معلول شرایط و ارزیابی‌های نوین ببینیم. به گفته‌ای دیگر امر پیشبرد حل مناقشات بین‌المللی از طریق سیاست، نه ناشی از ذات او با ما و تیم وی، بلکه بیشتر محصول شرایط نوینی است که آمریکا و جهان در آن قرار گرفته است.

در مورد ایران هم باید گفت که می‌توان گفت این امر هم یک چرخش است و هم نیست. به نظر من تا جایی که به میانه‌روها و اصلاح‌طلبان برمی‌گردد باید گفت این یک چرخش است، و تا جایی که به اصولگرایان و بویژه اصولگرایان تندرو (که البته نقشی در این توافق نداشتند)، نه یک چرخش، بلکه یک اقدام موردی برای خلاصی از تنگنا است (البته با این توجه که حتی محافلی در میان آنان خواهان این خلاصی نیز نبودند).

- آیا این توافق هسته‌ای می‌تواند موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در کوتاه یا میان مدت شود؟

بیگمان در کوتاه مدت، میان مدت و حتی درازمدت می‌تواند در بهبود وضعیت اقتصادی تاثیرگذار باشد. همه ما می‌دانیم که بازار بشدت تحت تاثیر شاخصهای روانی است و نیز می‌دانیم که با آزاد شدن پولهای بلوکه شده ایران در خارج، تکانی هرچند محدود به اقتصاد ایران در جهت مثبت در کوتاه مدت وارد می‌آید، و نیز کم کم در صورت تضمین عملی توافقنامه، با ورود سرمایه به ایران وضعیت باز هم بهتر شود. اما ضمناً باید گفت که وضعیت می‌تواند فقط در رابطه با دوران محاصره بهتر شود و نه در مقایسه با یک وضعیت نرمال اقتصادی که منوط به تحولات شگرف در ساختارهای اقتصادی کشورمان است. همچنین نباید از یاد برد که امروزه شاخص اقتصادی تنها در درآمد سرانه و ورود سرمایه خلاصه نمی‌شود، امر زدودن بیکاری و توزیع ثروت ملی در میان مردم، آنچنانکه بتوان با آن یک رفاه نسبی ایجاد کرد، شاخص‌های دیگری هستند که در عصر کنونی بسیار مهمند. بنابراین رفع تحریمها در شرایط کنونی یک شرط برای شروع است و خودبخود نمی‌تواند همه

- مذاکره ایران و ۱+۵، بر سر مسئله هسته‌ای پس از سال‌ها کشمکش و فراز و فرود سرانجام به نتیجه رسید و طرفین درپیش از ظهر سه شنبه ۱۴ ژوئیه در وین پایتخت اتریش سندی را که در مورد آن به توافق رسیده بودند امضاء کردند. نظر و ارزیابی شما از این توافق چیست، آیا آن را عادلانه و مثبت و به سود ایران و مردم میدانید یا به سود حکومت؟

تا جائیکه به نظر مثبت طرفین به نتیجه مذاکرات برمی‌گردد، باید آن را عادلانه ارزیابی کرد، تا جائیکه این توافق به امر برداشتن تحریمها بر مردم ایران کمک می‌کند باید آنرا مثبت ارزیابی کرد، اما تا جائیکه به تحکیم پایه‌های رژیم لاقول در کوتاه مدت منجر می‌شود باید آنرا همزمان به نفع رژیم هم دانست. در واقع می‌خواهم بگویم که توافق حاصله دارای وجوه متناقضی است و آنرا باید در سایه همین وجوه متناقض ارزیابی نمود. البته نباید مسئله‌ای را فراموش کرد آن هم اینکه نیروهای مردمی در سیاست نباید طوری عمل کنند که هر آن چیزی به نفع رژیم باشد به شیوه اتوماتیک باید از آن فاصله بگیرند. در سیاست گاهی مسائلی پیش می‌آید که مرزهای آن فراتر از منافع گروه خاصی می‌رود و باید به این فراتر بودن توجه داشت. امر توافقی هسته‌ای و حل مسالمت آمیز آن از طریق مذاکره، حتی نه یک امر فراگروهی و ملی، بلکه فراملی نیز می‌باشد، زیرا که کلاً به تقویت امر صلح و پیشبرد مناسبات عادی مابین کشورها در جهان کمک می‌کند. بی‌جهت نبود که عمده کشورهای جهان از این توافق شادمان شدند.

آرام شدن مناسبات میان ایران و کشورهای غربی و بطور کلی جهان برفع نیروهای سیاسی مدنی و مسالمت جو در ایران است، یعنی برفع آن نیروهایی که امر تغییر را از داخل تعقیب می‌کنند و تحول را از طریق تخریب پایه‌های زندگی مدنی در ایران تعقیب نمی‌کنند.

- او با ما در پی امضای این توافقنامه آن را نشانه‌ای از کامیابی سیاست جدید آمریکا در حل مناقشات بین‌المللی از طریق سیاسی خواند، این گفته را تا چه حد درست میدانید و آیا می‌شود امضاء توافق حکومت در ایران را نیز نشانه‌ای از یک چرخش در سیاست خارجی دانست یا نه اقدامی است موردی برای خلاصی از یک تنگنا؟

به نظر من او با ما از همان اوائل به قدرت رسیدن و تصاحب کرسی ریاست جمهوری در آمریکا، حل مناقشات بین‌المللی از طریق سیاسی را در اولویت داشت، می‌گویم در اولویت، بدین معنی که در واقع راه‌های دیگر از جمله راه

توافقی مثبت و به سود مردم ایران وهاب انصاری



- مذاکره ایران و ۱+۵، بر سر مسئله هسته‌ای پس از سال‌ها کشمکش و فراز و فرود سرانجام به نتیجه رسید و طرفین در پیش از ظهر سه شنبه ۱۶ ژوئیه در وین پایتخت اطریش سندی را که در مورد آن به توافق رسیده بودند امضاء کردند. نظر و ارزیابی شما از این توافق چیست، آیا آن را عادلانه و مثبت و به سود ایران و مردم میدانید یا به سود حکومت؟

توافق ایران با کشورهای موسوم به ۱+۵ بر سر پروژه هسته‌ای ایران، مثبت و به سود مردم ایران است. طی بیش از یک دهه کشمکش و اختلافات جهان غرب با جمهوری اسلامی بر سر پروژه هسته‌ای هزینه‌های فراوانی را متوجه کشورمان کرده است. پروژه‌ای که بخاطر بلند پروازی‌های جمهوری اسلامی و سیاستهای ماجراجویانه و تشنج‌زایی‌اش در عرصه سیاست خارجی، بویژه در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد با حمایت‌های آقای خامنه‌ای بود، باعث انزوای ایران شده است و تحریم‌های کمر شکنی را که شیرازه کل اقتصاد کشور را در آستانه فروپاشی قرار داده بود، بر کشور تحمیل شد. سیاستی که در ادامه خودمیتوانست خطر جنگ و حمله نظامی را هم در پی داشته باشد. همه اینها را که در کنار هم می‌گذارید، قطعاً توافق هسته‌ای ایران با کشورهای غربی به سود مردم ایران و به سود منافع ملی ایران است.

علاوه بر اینها تحریمها و انزوای ایران موجب شده بود، که فشار طاقت فرسایی بر مردم وارد شود. بیکاری، گرانی، سایر معضلات سیاسی-اجتماعی ناشی از این وضعیت شیرازه روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را فرو پاشانده بود. نهادهای مدنی در عرصه‌های مختلف به شدت تضعیف یا از بین رفته بودند. اگر این روند ادامه پیدا میکرد، حاصلش تقویت نهادهای مدنی، صنفی و سیاسی نبود، بلکه گرایشهای راست افراطی اجتماعی و شورشهای کور را تقویت می‌کرد. این به زبان روندهای دموکراتیک در کشور تمام میشد.

- اوپاما در پی امضای این توافقنامه آن را نشانه‌ای از کامیابی سیاست جدید آمریکا در حل مناقشات بین المللی از طریق سیاسی خواند، این گفته را تا چه حد درست میدانید و آیا می‌شود امضاء توافق حکومت در ایران را نیز نشانه‌ای از یک چرخش در سیاست خارجی دانست یا نه اقدامی است موردی برای خلاصی از یک تنگنا؟

یک بررسی اجمالی سیاست خارجی آمریکا طی چند دهه گذشته، بویژه در

خاورمیانه نشان میدهد که آمریکا رویکرد جدیدی در عرصه سیاست خارجی‌اش را اتخاذ کرده است. در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی، که ایران در یک توافق با غرب غنی‌سازی را تعلیق کرد و پرتکل الحاقی را پذیرفته بود، که بوش با "محور شرارت" خواندن ایران عملاً آن روند توافق را قطع کرد. سیاست آمریکا در عراق که علیرغم تأیید آژانس بین‌المللی که عراق دارای تسلیحات هسته‌ای و شیمیایی نیست، به عراق حمله نظامی کرد. همچنین سیاست آمریکا در رابطه با سوریه و لیبی، نشان از تغییرات دارد.

روند مذاکره اخیر با ایران هم نشان میدهد که آمریکا رویکرد جدیدی را اتخاذ کرده است. علیرغم سختی‌ها و پیچیدگی موضوع، پافشاری آمریکا و جان کری وزیر خارجه آمریکا بر رسیدن به توافق، که طولانی‌ترین مذاکرات قرن لقب گرفت. واکنش اوپاما و جان کری بعد از توافق نشان میدهد که نشانه‌های جدید خیلی قوی در رویکرد سیاست خارجی آمریکا برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی دارد. اما باید در نظر گرفت که این رویکرد جدید با مقاومت و موانع جدی در آمریکا روبرو است. مخالفت‌های کنگره آمریکا و مجلس سنا و لابی اسرائیل و خود دولت اسرائیل نشان میدهد، که مخالفین رویکرد جدید را نباید دست کم گرفت. نیرویی که حتی میتواند این رویکرد جدید را متوقف یا از بین ببرد.

اما اگر رویکرد جدید سیاست خارجی آمریکا منحصر به یک مورد نباشد و این سیاست ادامه دار و دارای مولفه‌های عینی و تعریف شده داشته باشد و تبدیل به یک سیاست تدوین شده و جا افتاده و برگشت‌ناپذیر شود، آنگاه قطعاً هم در افکار عمومی داخل آمریکا و هم در خاورمیانه و دنیا حامیان بسیار زیادی پیدا خواهد کرد. نیروهای اجتماعی و سیاسی زیاد از آن استقبال خواهند کرد. مخالفین منزویتر خواهند شد. این رویکرد جدید به نفع صلح جهانی خواهد بود. یک فرهنگ و رویکرد نوینی را برای حل معضلات و مناقشات بین‌المللی به جای جنگ و تشنج به ارمغان خواهد آورد. باید از این رویکرد استقبال کرد.

آنگاه اشکهای آقای جان کری و بغض سایر هیات نمایندگان در نگوهرش جنگ و تجلیل از دیپلماسی نوید بخش صلح برای جهان خواهد بود.

- آیا این توافق هسته‌ای می‌تواند موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در کوتاه یا میان مدت شود؟

حقیقت این است که تحریمهای اقتصادی، مالی، بانکی ایران توسط قدرتهای جهانی، اقتصاد ایران را در تمامی عرصه‌های تولیدی، خدمات و غیره در وضعیت بسیار دشواری قرار داده بود. یکی از ویژگی و گره خوردگی توافق هسته‌ای

ایران با شش قدرت جهانی، موضوع رفع تحریمهای همه‌جانبه دنیا علیه ایران بوده است. از این منظر قطعاً توافق هسته‌ای که موجب رفع تحریمها خواهد شد. باعث بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران خواهد شد. باید توجه داشت، که بحث گره خوردگی بهبود وضعیت مردم با رفع تحریمها و توافق هسته‌ای، افکار عمومی وسیعی را در ایران شکل داده است، که دولت روحانی هم نقش بزرگی چه قبل و بعد از انتخابش در شکل‌گیری این افکار عمومی داشته است. فراموش نکنیم که شعار اصلی تبلیغاتی روحانی حل معضل هسته‌ای با جهان بود. جمله معروفش "سانیفیوژها باید بچرخد و اقتصاد هم باید بچرخد" نیروهای زیادی را در رای دادن به روحانی ترغیب کرد. اکنون دولت آقای روحانی ناگزیر از پاسخ‌گویی به مطالبات اقتصادی مردم ایران است.

- روحانی انجام وعده‌های انتخاباتی‌اش به مردم را موکول به بعد از دست یافتن به این توافق کرده بود، فکر میکنید اینک که توافق حاصل شده، او شروع به وعده‌هایی که به مردم داده بود کند؟

وعده‌های آقای روحانی عرصه‌های مختلفی را در بر میگیرد. همانطور که در پاسخ به سوال قبلی گفتم، در عرصه اقتصادی، آقای روحانی تلاش خواهد کرد که به مطالبات مردم پاسخ دهد، یا بهتر است بگویم، ناگزیر از پاسخ‌گویی است. اما در عرصه‌های سیاسی در خوشبینانه‌ترین حالت باید منتظر ماند. تاکنون دولت آقای روحانی نشانه‌هایی قابل رویت و قابل اندازه‌گیری که در جهت پاسخ‌گویی به مطالبات سیاسی مردم باشد، از خود بروز نداده است. حتی تلاش هم نکرده است، که نشان دهد، در آن جهت حرکت میکند. دغدغه اصلی دولت آقای روحانی موضوع اقتصاد و حل معضل هسته‌ای با جهان بوده است.

برنامه‌های اقتصادی روحانی هم ادامه برنامه‌های نئولیبرالی رفسنجانی است. که به زیان طبقه کارگر و زحمتکشانشان کشور است.

آنچه که به نیروهای دمکرات و چپ بر میگردد، ضمن حمایت از توافق هسته‌ای، که تحریمها و خطر جنگ را از سر کشورمان دور کرد، باید پافشاری بر اجرای برنامه‌های اقتصادی و سیاسی به نفع طبقه کارگر و زحمتکشانشان جامعه باشد. ما نباید در این جشن توافق هسته‌ای که حقیقتاً جشن تمامی مردم ایران است، مضمحل بشویم و خطرات ناشی از فراموشی مطالبات مردم زحمتکش کشورمان را گوش زد نکنیم و برای دستیابی مردم به مطالبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم مبارزه نکنیم.

فکر میکنم، آقای روحانی و دولت‌اش در پیروزی خود مدیون پایگاه اجتماعی جنبش سبز است، ...

ادامه در صفحه ۲۰

امیدوارم شاهد کمترین ضرر به منافع ملی

مردم کشور مان باشیم

حسن نائب هاشم



- مذاکره ایران و ۱+۵، بر سر مسئله هسته‌ای پس از سال‌ها کشمکش و فراز و فرود سرانجام به نتیجه رسید و طرفین در پیش از ظهر سه شنبه ۱۴ ژوئیه در وین پایتخت اتریش سندی را که در مورد آن به توافق رسیده بودند امضاء کردند. نظر و ارزیابی شما از این توافق چیست، آیا آن را عادلانه و مثبت و به سود ایران و مردم میدانید یا به سود حکومت؟

من در مجموع از اینکه توافق میان نمایندگان جمهوری اسلامی و کشورهای ۲+۳ در چهارچوب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) همانطور که در سوال شما آمده است، پس از سال‌ها کشمکش و فراز و فرود، سرانجام به ثمر رسید، خوشحال هستم و امیدوارم که با برداشتن این گام و بیشتر وخیم نشدن رسیدگی به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم ما، مردم کشور ما بتوانند به خواست‌های بیشتری برسند و در مجموع از این منظر این توافق را بیشتر به سود مردم می‌دانم و نه حکومت. چرا که تأثیرات وخیم «اقدامات اجباری یکجانبه آمریکا و کشورهای اروپایی که بارزترین نمود آن «تحریم اقتصادی هوشمند» که برخلاف ادعای اولیه، در عمل کاملاً ناهوشمندانه بود، بیش از همه مردم عادی کشور ما را متضرر کرده بود و نه کارگزاران حکومتی را. با این همه میدانید که نمایندگان جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر ایرانی در این مذاکرات حضور نداشتند بدون شک حضور ایشان در مذاکرات می‌توانست توافق را جامع‌تر و همه‌جانبه‌تر کند. برای مثال جنبه‌های زیست محیطی فن آوری هسته‌ای ایران و یا به صرفه بودن اقتصادی آن، به حد کافی در این توافق لحاظ نشده است و همچنین دیگر جنبه‌های حقوق بشری که اساساً در کشوری که حقوق بشر در آن رعایت بشود، کمتر نگرانی از غنی‌سازی در آن در جامعه جهانی به وجود می‌آید، از جمله چنانکه همگی می‌دانیم در هلند و آرژانتین و برزیل هم غنی‌سازی صورت می‌گیرد، ولی کمتر کسی در دنیا، از این امر ابراز نگرانی می‌کند.

- اوپاما در پی امضای این توافقنامه آن را نشانه‌ای از کامیابی سیاست جدید آمریکا در حل مناقشات بین المللی از طریق سیاسی خواند، این گفته را تا چه حد درست میدانید و آیا می‌شود امضاء توافق حکومت در ایران را نیز نشانه‌ای از یک چرخش در سیاست خارجی دانست یا نه اقدامی است موردی برای خلاصی از یک تنگنا؟

اوپاما از زمان مبارزات انتخاباتی اش در نخستین دوره ریاست جمهوری اش تاکنون، سیاستی متفاوت با سیاست قبلی که جرج دبلیو بوش در آخرین سالها پیش برنده آن

بود، تعقیب کرده و می‌کند که از جمله امضای این توافق، آخرین حاصل کامیابی این سیاست است. این سیاست در کشورهایی چون افغانستان نیز به کامیابی معینی دست یافته است و حاصل آن این بوده است که آمریکا به ماجراجویی‌های فرا منطقه‌ای کمتری دست بزند. اما این سیاست به خاطر رعایت خواسته یا ناخواسته بسیاری از ملاحظات داخلی توسط وی تا حد زیادی نیز ابر شده است و از جمله پس از حدود شش سال و نیم هنوز نتوانسته است صلح اسرائیل و فلسطین را به ارمغان بیاورد و نتوانسته است نقش سازنده کافی در بحران‌های کشورهای مصر، لیبی، سوریه، عراق و یمن داشته باشد. در افغانستان و پاکستان نیز کشته شدن مداوم شهروندان عادی بیگناه توسط نیروهای تحت رهبری آمریکا، نقطه سیاهی است بر کارنامه مردی که قبل از پایان دوره مسئولیتش، به او جایزه صلح نوبل داده شده است.

در ارتباط با ایران، خواه ناخواه این نشانه‌ای از یک چرخش در سیاست خارجی است، هر چند که خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، آن را تاکتیکی و موردی و برای رهایی از یک تنگنا قلمداد می‌کند. مسلماً نیروهای اقتدارگرا و تندرو تلاش خواهند کرد که پس از دستیابی به محصولات این توافق، نشان دهند که درها بر همان پاشنه‌ها می‌چرخند و آب از آب تکان نخواهد خورد. ولی من فکر می‌کنم که جامعه مدنی زنده و فعال ایران در این روند نیز تغییری تعیین‌کننده را موجب خواهد شد.

- آیا این توافق هسته‌ای می‌تواند موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در کوتاه یا میان مدت شود؟

به نظر من در کوتاه مدت که البته این مدت را قاعدتاً باید از شش ماه دیگر به بعد در نظر گرفت، باید از بدتر نشدن وضعیت اقتصادی سخن گفت و وضعیت به شرایط قبل از تحریم‌های گزنده آمریکا و اروپا که مهمترینش تحریم نفتی است، برخواهد گشت که در آن شرایط هم ضرورتاً از بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی می‌تواند خبری نباشد. بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی مردم به عوامل عدیده‌ای به خصوص در میان مدت بستگی دارد و برای نیل به این مقصود، سران حاکم بر سرنوشت مردم کشورمان، باید به تجدید نظری اصولی و عمیق در دیدگاه‌های کنونی خود دست بزنند ...

که شواهدی از آن در دست نیست و هنوز هم علائم قابل‌انکایی از دست به دست شدن حتی بخشی از قدرت از نیروهای موجود به نیروهای واقع بین‌تر در دست نیست.

- روحانی انجام وعده‌های انتخاباتی اش به مردم را موکول به بعد از دست یافتن

به این توافق کرده بود، فکر میکنید اینک که توافق حاصل شده، او شروع به وعده‌هایی که به مردم داده بود کند؟

من تصور نمی‌کنم که روحانی اراده‌ای برای انجام وعده‌های دیگر انتخاباتی خود داشته باشد و بیشتر فکر می‌کنم که نظر روحانی بر این است که شیرینی حصول این توافق چون قندی که در دهان ذره ذره آب می‌شود، مدت‌ها در کام مردم کشور باقی بماند و مدام این امر برایشان یادآوری بشود و ایشان قانع به همین دستاوردهای تاکتونی شعار «روحانی، مچکریم» شان را تکرار و بازتکرار کنند، ولی در عین حال معتقدم که مردم از هم اکنون و به خصوص با نزدیک شدن انتخابات مجلس شورا و مجلس خبرگان، با خواست‌های بیشتر به میدان خواهند آمد و وعده‌های روحانی را به وی یادآوری کنند. در اثر این تعامل در مقیاس وسیع به هیچ وجه بعید نمی‌دانم که وی تحت فشار از پایین‌افزاینده، چانه زنی معین و محدودی را از بالا پی‌گیرد، ولی همانطور که در ابتدا عرض کردم با اراده‌ای قطعاً بسیار کمتر از موسوی و کروبی، اگر سرنوشت دیگری داشتند و همچنین حتی کمتر از خاتمی با تجربه‌ای از ۸ سال ریاست جمهوری وی و بیش از ۲ سال ریاست جمهوری روحانی می‌بینیم. مسلم است که اگر فشار از پایین به اندازه کافی قوی باشد، چنانکه خامنه‌ای نیز مجبور شد عقب‌نشینی هسته‌ای را بپذیرد، ممکن است با روحانی و خامنه‌ای متفاوتی نسبت به آنچه که تاکنون تجربه کرده ایم، مواجه باشیم.

- فکر میکنید فضای سیاسی بعد از توافق با پیش از آن به کدام جهت سمتگیری کند، به طرف بازشدن یا بسته شدن؟

چنانکه از فحوای پاسخ‌های قبلی‌ام بر می‌آید، من فکر می‌کنم که فضای سیاسی بعد از توافق از سوپی و با نزدیک شدن انتخابات همزمان مجلس شورا و مجلس خبرگان به سوی باز شدن حرکت می‌کند و نخستین علائم آن را در جشن هسته‌ای مردم با شعارهای «توافق بعدی ما، حقوق شهروندی ما» و «پیام ما روشن‌تر، حصر باید بشکنه» مشاهده کردیم.

- به نظر شما انجام این توافق تا چه حد میتواند در رفع و بهبود دشواریهای اقتصادی و معضلاتی مانند فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی ...

ادامه در صفحه ۱۰

عقب نشینی جمهوری اسلامی به سود اکثریت مردم ایران، محیط زیست و صلح است سهراب مبشری



- مذاکره ایران و ۱+۵، بر سر مسئله هسته‌ای پس از سال‌ها کشمکش و فراز و فرود سرانجام به نتیجه رسید و طرفین در پیش از ظهر سه شنبه ۱۴ ژوئیه در وین پایتخت اتریش سندی را که در مورد آن به توافق رسیده بودند امضاء کردند. نظر و ارزیابی شما از این توافق چیست، آیا آن را عادلانه و مثبت و به سود ایران و مردم میدانید یا به سود حکومت؟ من در این توافق چیزی که به ضرر بخش قابل توجهی از مردم باشد نمی‌بینم. از این رو درک نمی‌کنم که چرا برخی از مخالفان حکومت آن را تحت این عنوان محکوم می‌کنند که جمهوری اسلامی بیش از حد به طرف مقابل امتیاز داده است. عقب نشینی جمهوری اسلامی از برخی جوانب برنامه اتمی خود، به سود اکثریت مردم ایران، محیط زیست و صلح است. البته این توافق، سود بخشی از حکومت را نیز تأمین می‌کند.

- اوپاما در پی امضای این توافقنامه آن را نشانه‌ای از کامیابی سیاست جدید آمریکا در حل مناقشات بین المللی از طریق سیاسی خواند، این گفته را تا چه حد درست میدانید و آیا می‌شود امضاء توافق حکومت در ایران را نیز نشانه‌ای از یک چرخش در سیاست خارجی دانست یا نه اقدامی است موردی برای خلاصی از یک تنگنا؟ سیستم سیاسی آمریکا طوری تنظیم شده است که رئیس جمهور عملاً تنها در مورد جنگ و صلح صاحب اختیار اصلی است. از آنجا که آمریکا در هفتاد سال اخیر مسئول اصلی جنگها و منازعات بسیاری بوده است، کارنامه یک رئیس جمهور آمریکا را باید با جنگهایی که آغاز نکرده است سنجید. از این دیدگاه، همین که اوپاما جنگ علیه ایران را آغاز نمی‌کند، نکته مثبتی در کارنامه او است. توافق هسته‌ای با ایران از نظر من از خطر مسابقه هسته‌ای در خاورمیانه می‌کاهد. اما این موفقیت اوپاما در یک کفه است. بر کفه دیگر، کارنامه یکسره منفی دولت آمریکا در عراق، سوریه، یمن و افغانستان سنگینی می‌کند. سیاستهای آمریکا چه در دوره بوش و چه در زمان اوپاما، خاورمیانه را ناامن تر کرده است. به عنوان نمونه، از پافشاری بر حل نظامی مناقشه در سوریه و یمن می‌توان نام برد. بدون حمایت ضمنی یا مستقیم آمریکا جنگها در یمن و سوریه یا آغاز نمی‌شد یا به درازا نمی‌کشید. بدون باز گذاشتن دست دولت نوری المالکی در عراق از سوی آمریکا، داعش شکل نمی‌گرفت.

- آیا این توافق هسته‌ای می‌تواند موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در کوتاه یا میان مدت شود؟ باید در مورد تأثیر اقتصادی این توافق، میان اقلیت مختلف مردم تفاوت قائل شد. سود اقتصادی این توافق نصیب اقلیت میانمی و بالایی جامعه خواهد شد. در غیاب تشکل‌های نیرومند و فراگیر کارگری و در شرایط سرکوب مبارزات صنفی زحمتکشان، آنها از پایان تحریمها سهم اندکی خواهند گرفت. رشد اقتصادی شرط لازم برای بهبود زندگی زحمتکشان است اما شرط کافی نیست.

- روحانی انجام وعده‌های انتخاباتی اش به مردم را موکول به بعد از دست یافتن به این توافق کرده بود، فکر میکنید اینک که توافق حاصل شده، او شروع به عمل به وعده‌هایی که به مردم داده بود کند؟ نظام سیاسی ایران برای رئیس جمهور نقشی قائل است که خاتمی با عنوان «تدارکاتچی» از آن یاد کرد. از این رو آنچه در تحقق خواسته‌های شهروندان مهمتر از اراده رئیس جمهور است، میزان اعمال فشار از سوی مبارزات مدنی خود شهروندان است. هر چه این مبارزات گسترده تر باشد، بخش بیشتری از خواسته‌های شهروندان به حکومت تحمیل خواهد شد.

- فکر میکنید فضای سیاسی بعد از توافق با پیش از آن به کدام جهت سمتگیری کند، به طرف بازشدن یا بسته شدن؟ من ربط چندانی میان این دو نمی‌بینم.

- به نظر شما انجام این توافق تا چه حد میتواند در رفع و بهبود دشواریهای اقتصادی و معضلاتی مانند فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی موثر واقع شود و چقدر میتواند راهبرد سیاسی- اقتصادی دولت را متحول و بر جهت گیری آن نقش داشته باشد؟ همان گونه که در پاسخ به پرسش دیگری گفتم، رشد اقتصادی شرط لازم برای بهبود وضعیت معیشت مردم است اما شرط کافی نیست. رشد اقتصادی حتی می‌تواند با افزایش شکاف طبقاتی همراه شود. همه چیز بدین بستگی دارد که زحمتکشان بتوانند به حد بالاتری از تشکل و مبارزه سازمان یافته صنفی دست یابند یا نه.

اگر توضیح دیگری را لازم می‌دانید برای خوانندگان سایت کارآنلاین در خصوص توافق هسته‌ای در میان بگذارید، بفرمایید. امید من این است که این توافق به شرایطی پایان دهد که حکومت می‌توانست با شعارهای ضدآمریکایی بخشی از مخالفان خود را خلع سلاح کند.

امیدوارم شاهد کمترین ...

ادامه از صفحه ۹

موثر واقع شود و چقدر میتواند راهبرد سیاسی- اقتصادی دولت را متحول و بر جهت گیری آن نقش داشته باشد؟

فکر می‌کنم که پاسخ به یکی از سوالات قبلی به این امر پرداخته ام. اجرای این توافق می‌تواند فقر و بیکاری را از این حدی که هست بدتر نکند و در همین حدود و حداکثر حدود قبل از تحریم برساند. کاهش شکاف طبقاتی مستلزم بازبینی اساسی در سیاست کارگزاران اقتصادی حکومت و اراده سیاسی از جانب حاکمان بر سرنواخت مردم زحمتکش کشورمان دارد و برای نیل به آن تغییرات ساختاری عدیده از جمله تضمین آزادی تشکل‌های صنفی و کارگری، پیوستن به کنوانسیون‌های مهم تصویب نشده سازمان بین المللی کار و تضمین برابری زنان و مردان از جمله در عرصه حقوق کار و بسیاری از پیش شرط‌های دیگر را می‌طلبد، که هنوز روزه‌ای هم در این زمینه‌ها باز نشده است.

اگر توضیح دیگری را لازم می‌دانید برای خوانندگان سایت کارآنلاین در خصوص توافق هسته‌ای در میان بگذارید، بفرمایید. با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

من تنها از خوانندگان کارآنلاین و دیگر مدافعان حقوق بشر و جامعه مدنی تقاضا می‌کنم که کماکان دیدبان اجرای این توافق و مسائل مربوط به فن آوری هسته‌ای نیز در کشورمان باشند. در صورت اجرای درست این توافق هم، مسائل زیست محیطی آن، ایمنی کارکنان شاغل در این حوزه، اقتصادی بودن پیشبرد آن در همین محدوده‌های توافق شده و اساساً توجیه اقتصادی ضرورت غنی سازی در کشور باقی می‌ماند که امیدوارم با چنین دیدبانی‌ای، شاهد کمترین ضرر به منافع ملی مردم کشور مان باشیم.



سومین جام زهر توسط سید علی خامنه ای نوشیده شد حسن نادری

طریق سیاسی خواند، این گفته را تا چه حد دروست میدانید و آیا می شود امضاء توافق حکومت در ایران را نیز نشانه‌ای از یک چرخش در سیاست خارجی دانست یا نه اقدامی است موردی برای خلاصی از یک تنگنا؟

سیاست خارجی ابرقدرتها از جمله آمریکا بر روی یک خط راست محدود نیست. و بنا بر شرایط زمانی و مکانی تابع پارامترها و اتخاذ راهبردهای ویژه میباشند. در مورد مناقشه هسته ای ایران قرآن و اسناد موجود حاکمیت که رهبران وقت آمریکا در باتلاق گیر شده در عراق، در اکتبر ۲۰۰۵ قصد حمله نظامی به ایران را داشتند، البته نه دلیل موضوع هسته ای بلکه بدلیل حمایت ایران از گروههای نظامی مخالف حضور آمریکا در عراق. اما ژنرالهای "دور اندیش" آمریکا با تصمیم دستگاه سیاسی مخالف بودند. و به صرف مناقشه هسته ای ایران در صورت حمله نظامی با توجه به پیشینه بد در عراق با مخالفت افکار عمومی جهان و اکثریت مردم ایران روبرو میشد. اما تحریمهای همه جانبه، علی رغم اظهارات دروغین سردمداران رژیم فوق العاده موثر بود. بیکاری، فقر، اختلاس، فحشاء، ناکارآمدی صنایع، فرار مغزها و روشنفکران... البته برای اقلیتی از جناحهای حاکم و فرصت طلبان همیشه در صحنه ثروت آور. این آقای اوباما، برنده جایزه صلح ناکتون با اقدامات فراقانونی و فراقضائی، دستور به قتل از طریق هواپیماهای بی سرنشین(پهباد) را داده است. این امر در باره حکومت ایران هم صدق میکند. آنها فهمیدند که زمان چانه زنی و سیاست تنش زائی بیشتر از این در مورد خاص(هسته ای) دیگر به ضد خودش و خطر برای ادامه حیات سیاسی اش تبدیل شده است. اما هر دو نظام در جایی دیگر به جنگ نیابتی خود و به هزینه خلقهای سوریه، یمن و... ادامه میدهند.

- آیا این توافق هسته ای می تواند موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در کوتاه یا میان مدت شود؟

با توجه با مفاد توافق چنین بر میآید که رفع تحریمها تدریجی و از اواخر سال جاری میلادی آغاز میشود. بنابراین نباید انتظار بهبودی در کوتاه مدت برای آن بخش از مردمی که منتظر معجزه هستند، داشت. در میان مدت با فرض دستیابی به پولهای بلوکه شده، بعلاوه درآمد از فروش نفت و احتمالا سرمایه خارجی یعنی ورود ارز به بازار خود بخود میتواند مشکلات بیشتری را برای مردم بوجود آورد. چنانکه میدانیم ساختار اقتصادی و صنعتی ایران تابع اقتصاد سیاسی، با اقتصاد دولتی، شبه دولتی و نهادهای و بنیادهای مذهبی و صندوقهای اسلامی و اوقاف عمدترین مانع در اقتصاد سالم هستند. هر یک از ساختارهای فوق در انتظار سهم بیشتر از این "شیر" هستند. ...

ادامه در صفحه ۱۲

سرانجام سومین جام زهر توسط سید علی خامنه ای نوشیده شد، البته با تلخکامی سالهای پر مشقت ملت ایران. از جمله به بندهای ذیل توجه کنید که آمده است: طی این دوره، ایران ظرفیت غنی سازی خود در نظنز را حداکثر تا ظرفیت غنی سازی اورانیوم تعداد ۵۰۶۰ سانتریفیوژ نصب شده نگه خواهد داشت. سانتریفیوژهای اضافی و زیرساخت های غنی سازی مربوطه در نظنز تحت نظارت مستمر آژانس به نحو مشروح در پیوست ۱ انبار خواهد شد.

۲- ایران تحقیق و توسعه ی غنی سازی را به شیوه ای که به انباشت اورانیوم غنی شده منتج نشود ادامه خواهد داد. تحقیق و توسعه غنی سازی ایران با اورانیوم برای مدت ۱۰ سال شامل صرفا ماشین ها ی(سانتریفیوژهای) *۶،۵،۴،۸ در پیوست خواهد بود، و ایران به نحوه مشخص شده در پیوست در سایر فناوری های جداسازی ایزوتوپ برای غنی سازی اورانیوم وارد نخواهد شد. ایران به تست دستگاه های ۶،۸ ادامه خواهد داد و در میانه سال هشتم، تست تا سی دستگاه ماشین ۶،۸ را به نحو مشخص شده در پیوست ۱ آغاز خواهد نمود. ایران قصد دارد همه سوخت مصرف شده کلیه راکتورهای هسته ای تحقیقاتی و قدرتی فعلی و آینده خود را برای پسمانداری یا اقدامات بعدی، آنگونه که در قراردادهایی که به نحو صحیح با طرف دریافت کننده منعقد خواهد شد، از کشور خارج کند.

به جز فعالیت های جداسازی با هدف تولید رادیوایزوتوپ های پزشکی و صنعتی از نمونه های تابش دیده ی اورانیوم غنی شده، ایران به مدت ۱۵ سال وارد بازفرآوری یا ساخت تاسیسات قادر به بازفرآوری سوخت مصرفی، یا فعالیت های تحقیق و توسعه ی بازفرآوری که منتج به ایجاد قابلیت بازفرآوری سوخت مصرفی شود، نگردیده و پس از این مدت نیز قصد چنین کاری را ندارد. بنابراین صحبت از عادلانه بودن نیست بلکه تحمیلی است در مقابل نظام مستاصل شده. حال اگر سردمداران رژیم مثل همیشه برای تخدیر افکار عمومی از "پیروزی" در برابر ابر قدرتها رجزخوانی بکنند یک چیز است اما واقعیت آنستکه سیاه روی سفید نوشته شده است و مینای قضاوت قرار میگردد. همانطوریکه گفتم به سود "ثبات نظام" است. اما به سود مردم جای شک و تردید وجود دارد. زیرا بخشی از مردم م از ابتدای ماجراجوئی نظام بدون شناخت محتوای و اهداف رژیم به شعار "حق مسلم ماست" پیوستند و بخشی دیگر ناظر خاموش بودند و یا حق ابراز مخالفت با ماجراجوئی رژیم را نداشتند. زمانی میتوان از سود برای "ایران" صحبت کرد که منافع ملی از زاویه استقلال و آزادی تعریف شود. عملکرد نظام نشاندهنده اینست که این دو مقوله به هم مرتبط، جایی در نظام برای نامیدن تامین منافع ملی نمیگذارد.

- اوباما در پی امضای این توافقنامه آن را نشانه‌ای از کامیابی سیاست جدید آمریکا در حل مناقشات بین المللی از

- مذاکره ایران و ۱+۵، بر سر مسئله هسته‌ای پس از سال ها کشمکش و فراز و فرود سرانجام به نتیجه رسید و طرفین درپیش از ظهر سه شنبه ۱۲ ژوئیه در وین پایتخت اطریش سندی را که در مورد آن به توافق رسیده بودند امضاء کردند. نظر و ارزیابی شما از این توافق چیست، آیا آن را عادلانه و مثبت و به سود ایران و مردم میدانید یا به سود حکومت؟

همانطوریکه اطلاع دارید توافقنامه نهائی امضاء شده اخیر بین ایران و گروه ۱+۵، مقدمه توافقی بود که در دوم آوریل ۲۰۱۵ (۱۲ فروردین ۱۳۹۴) بدست آمده بود که راه را برای ادامه گفتگوها و توافق جامع تا پایان ماه ژوئن میگذرد. این امر در تاریخ پیش بینی شده صورت نگرفت. زیرا طرفین در شرایطی قرار داشتند که تا زمانیکه هیچ چیزی مورد قبول نباشد، در نهایت پذیرفته نخواهد بود. من در ۷ آوریل ۲۰۱۵ در مقاله ای با عنوان " آیا توافق نهائی در باره مسئله مناقشه برانگیز هسته ای پایان بحران در ایران است؟ نوشتم که: "اما از سرشت این نظام بر میآید که نتواند بر دیگر بحران و معضلات و رعایت حقوق شهروندی وعقیدتی فائق آید". در جریان ۱۲ سال اخیر روند مناسبات ایران و جامعه جهانی طوری پیش رفت که از یکسو خاورمیانه و منطقه خلیج فارس با وضعیتی خاص و پر مخاطره روبروست و از دیگر سو، شرایط در حال انباشت زندگی مشقتبار برای اکثریت مردم ایران، خطری جدی برای نظام جمهوری اسلامی بود. بنابراین سردمداران رژیم جهل و جنایت بر آن شدند با تغییر رویکرد در قبال بحران هسته ای به پای توافق بروند تا ازامکان تغییر شرایط سیاسی در ایران پیشگیری کنند.

زمانی میتوان از "عادلانه" بودن توافق صحبت کرد که موضوع مورد مناقشه در یک دادگاه بیطرف مورد قضاوت قرارگیرد و حکم صادر شود. اما در مناقشه فوق توازن قوا نه بر سر دعوای حقوقی بلکه سیاسی بود و بر اساس متون توافق انتشار شده میتوان دریافت که کشورهای ۱+۵ به رهبران نظام فهماندند که باید به حداقلها قناعت کنند. از جمله در متن توافق در بخش "ک" میخوانیم: "کلیه مفاد و اقدامات مندرج در این برجام(برنامه جامع برای اقدام) صرفاً برای اجرای آن بین گروه ۱+۵ و ایران می باشد و نمی‌بایست به منزله ی ایجاد رویه برای هیچ دولت دیگری، یا برای اصول بنیادین حقوق بین الملل و حقوق و تعهدات وفق معاهده ی عدم اشاعه هسته ای و سایر اسناد مربوطه، و همچنین اصول و رویه های شناخته شده ی بین المللی تلقی گردد".

اگر به ۲۷ بند و ۵ ضمیمه توافق امضاء شده دقت شود، میتوان قضاوت کرد که

سومین جام...

ادامه از صفحه ۱۱

این نهادها در نبود رقابت سالم اقتصادی نمیتوانند تولید کار و بیکاران را جذب کار نمایند. و فعالیتهای خود را بیشتر بر محور واردات و بازرگانی متمرکز میکنند. و تزریق پول هم به بهانه افزایش یارانه و برآورد کردن توقعات مردم از درآمدهای بعد از رفع تحریم به نوبه خود میزان تورم نقدینگی را بالا میبرد. چنانکه بر خلاف مصاحبه روحانی در شبکه یک سیما از کاهش نقدینگی و تورم خبر داده بود، بر اساس آنچه بانک مرکزی در تازهترین گزارش خود اعلام کرده است؛ نقدینگی کشور به ۸۰۰ هزار و ۶۲۲ میلیارد تومان رسیده است. گفتنی است این رقم برای دومین ماه از سال جاری محاسبه شده و از میزان نقدینگی شهریور سال ۱۳۹۲ یعنی زمان آغاز به کار دولت یازدهم، حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بیشتر شده است. نقدینگی در دو ماهه اول سال جاری نیز نسبت به اسفند سال گذشته ۲,۲ درصد افزایش داشته است.

- روحانی انجام وعده‌های انتخاباتی اش به مردم را موکول به بعد از دست یافتن به این توافق کرده بود، فکر میکنید اینک که توافق حاصل شده، او شروع به وعده‌هایی که به مردم داده بود کند؟

آقای روحانی در مصاحبه تلویزیون خود پس از ۱۰۰ روز تشکیل کابینه "تدبیر و امید" گفته بود: "من در ایام تبلیغات انتخابات به مردم بزرگ وعده داده بودم علاوه بر برنامه ۴ ساله دولت تدبیر و امید برنامه کوتاهی برای ۱۰۰ روز داشته باشم و بر پایان این مدت عملکرد دولت را به مردم گزارش دهم". رییس جمهور در پاسخ به پرسش مجری برنامه مبنی بر این‌که چرا ۱۰۰ روز را برای ارائه گزارش عملکرد اولیه دولت انتخاب کرده‌اید؟ توضیح داد: ۱۰۰ روز یک معیار برای نمره دادن است و برخی نمره‌ها به جای ۲۰ از ۱۰۰ حساب می‌شود. همچنین ۱۰۰ در ادبیات و شعرهای ما بسیار مورد توجه قرار گرفته است. چون دوره زمانی است که نه خیلی کوتاه است تا نتوان گزارشی داد و برنامه‌ای را تهیه کرد و نه آنقدر طولانی است که گزارش بسیار طولانی شود."

الان از ۱۰۰ روز گذشته ایم و وارد نیمه دوم دوره چهارساله دولتش شده ایم. آیا انصافاً کاری در بهبود زندگی مردم انجام داد؟ سطح فقر پائین آمد؟ آزادی و فضای سیاسی بیشتر شد؟ زندانیان سیاسی و یاران سابق حکومتی در حصر آزاد شدند؟ اعداها کمتر شد؟ اختلاسها از بین رفت؟ سالی که نکوست از بهارش پیداست. من از صمیم قلب آرزوی بهبودی زندگی مردم و کاهش اختناق در ایران هستم. اما در همه حیات جمهوری اسلامی، برای رفع مسئولیت و پاسخگویی به این همه نامالیقات و ناهنجاریهای جامعه، جناحهای حکومتی همیشه بدنبال مقصری دیگر بنام "آن جناح" نمیگذارد، رفتند و بخشی از "اپوزیسیون" هم همیشه یک کارت تبریک و شادمانیم در جیب دارد تا برای این و یا آن فصل و موضوع صادر میکند و بجای ارایه

برنامه بدیل و نشان دادن علت‌های ناهنجاریهای جامعه که همانا نظام جمهوری اسلامی است، در پشت پرچم جناح دیگر رژیم بنام "اصلاح طلبان" بخوان فرصت طلبان) قدم میزند.

- فکر میکنید فضای سیاسی بعد از توافق با پیش از آن به کدام جهت سمتگیری کند، به طرف بازشدن یا بسته شدن؟

بعد از پایان جنگ ایران - عراق انتظار میرفت تا فضای سیاسی کمی گشود شود و از میزان فشار امنیتی کاسته شود. متأسفانه با فاجعه ملی کشتار زندانیان روبرو شدیم. با روی کار آمدن آقای خاتمی، بجای رسمیت بخشیدن به شکلگیری احزاب در سپهر سیاسی ایران، جناح موسوم به "اصلاح طلبان" به انتشار روزنامه های خود نمودند. اما رسالت و نقش حزبی این روزنامه ها منجر به قربانی شدن خود و قتل‌های زنجیره ای در ایران شد. و از دل آن مهره مورد نظر سید علی خامنه ای و فاجعه ای دیگر با مناقشه هسته ای در روابط بین المللی و علیه اکثریت ملت ایران رخ داد. می بینیم که سردمداران رژیم برای هر فصلی، استعداد ایجاد بحران برای اختناق بیشتر را دارند. همانند آنچه که آنها در کیشوهای خود برای ابداء واژها و "جدل سازی" بین جناح ها دارند. سخنرانی خامنه ای بمناسبت عید فطر در روز شنبه ۲۷ تیر ماه ۱۳۹۴ به صراحت، نشان از تهدیدات دارد. او میگوید: "ملت ایران باید متحد باشد و قضایای هسته ای نباید زمینه ساز دو دستگی در کشور شود زیرا موضوع هسته ای بوسیله مسئولان مربوطه خود در حال پیگیری است و مسئولان بدنبال منافع ملی هستند. نکته‌ی بعدی این است که چه این متن تصویب بشود و چه نشود، به حول و قوه‌ی الهی، اجازه‌ی هیچ‌گونه سوءاستفاده‌ای از آن داده نخواهد شد؛ اجازه‌ی خدش‌دهی در اصول اساسی نظام اسلامی به کسی داده نخواهد شد؛ قابلیت‌های دفاعی و حریم امنیت کشور، به فضل الهی حفظ خواهد شد، اگرچه میدانیم دشمنان بر روی این نقطه‌ی بخصوص، تکیه‌ی زیادی دارند. جمهوری اسلامی، در زمینه‌ی حفظ قابلیت‌های دفاعی و امنیتی خود -آن‌هم در این فضای تهدیدی که دشمنان برایش به‌وجود می‌آورند- هرگز تسلیم زیاده‌خواهی دشمن نخواهد شد".

حسن روحانی رئیس جمهوری هم در همین ضیافت و در حضور سید علی خامنه ای اظهار داشت: "امروز در دنیا هیچ کس نمی گوید که جمهوری اسلامی ایران شکست خورده، تسلیم شده و یا توافق غیر عزتمندانه داشته است. الحمدلله آنچه خواست ملت بزرگ ایران و مورد نظر مقام معظم رهبری بود، در مذاکرات هسته ای تا به این مرحله به دست آمده است".

روحانی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به صبر و مقاومت ۱۲ ساله ملت بزرگ ایران در برابر قدرت های جهانی گفت: "دولت تدبیر و امید بر اساس نقشه راه مقاومت، اراده و آرای مردم، هدایت های مقام معظم رهبری و با حمایت همه ارکان نظام و قوا و همچنین مجاهدت و فداکاری سرداران دیپلماسی توانست حقوق ملت بزرگ ایران را بر کرسی ظفر بنشانند.

روحانی تصریح کرد که: "این مرحله از توافق هسته ای آغازی برای مراحل بعدی است و نیازمند وحدت، انسجام و همچنین هدایت های داهیه‌ایه مقام معظم رهبری در طی مراحل بعدی هستیم" از خلال گفته های دو شخصیت نخست کشور این هشدار بر میآید که کسی نتواند به توافق تحمیلی ایراد بگیرد، در غیر اینصورت سرکوب میشود.

- به نظر شما انجام این توافق تا چه حد میتواند در رفع و بهبود دشواریهای اقتصادی و معضلاتی مانند فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی موثر واقع شود و چقدر میتواند راهبرد سیاسی- اقتصادی دولت را متحول و بر جهت گیری آن نقش داشته باشد؟

گرچه همه ما آرزوی بهبودی و نیکیختی و سعادت ملت ایران و ایران بر همه ایرانیان را در سر داریم، اما از این نظامی که بر اساس اصل ۹۳ قانون اساسی اش که میگوید "انطباق قانون باید منطبق بر ولایت فقیه و اسلام باشد"، انتظار رسیدن به آزادی و دموکراسی عبث است. شما توجه دارید که پیش از امضاء توافقنامه در مطبوعات ایرانی داخل کشور و جراید کشورهای خارجی همگی از وجود ۱۵۰ میلیارد دلار داراییهای بلوکه شده ایران در خارج اشاره میکردند که بعد از رفع تحریم میتوانند راه گشای معضلات مردم گردند. اما بانک مرکزی آب سرد بر همه انتظارات ریخت و از ۲۹ میلیارد دلار دارایی و ۵ میلیارد دلار بدهی خارجی اطلاع میدهد. پیدا کنید پرتغال درد را! شکاف طبقاتی در جامعه ایران بدون تحول سیاسی و خلع بد از نیروهای نظامی - امنیتی که ۲۷ درصد تولید ناخالص ملی را در دست دارند و همچنین نهادها و بنیادهای مذهبی که هیچگونه مالیات نمیدهند، کاهش یافتنی نیست.

من از چشم انداز بروز اعتراضات و بویژه توسط طبقه کارگران و زحمتکشان و جوانان و زنان در آینده نزدیک متعجب نخواهم شد.

- اگر توضیح دیگری را لازم می دانید برای خوانندگان سایت کارآلاین در خصوص توافق هسته ای در میان بگذارید، بفرمایید.

برای دستیابی به ایرانی آزاد، دموکراتیک و رفع همه گونه تبعیض داشتن سیاست روشن و غیر توهم زا و اتحاد همه نیروهای سیاسی پایبند به اصول فوق ضروریست. نمیتوان از یکسو به حمایت طرفداران اجرای بی تنازل قانون اساسی ادامه داد و مردم را در این سپهر سیاسی محدود کرد و سوی دیگر به پشت شعار صرف سکولار و لائیسته سنگر گرفت.

- با تشکر از اینکه وقتتان را در اختیار سایت کارآلاین قرار دادید.

من هم از شما برای فرصتی که بمن داده اید ممنونم.

* - RI-6, RI-4, RI-8, RI-5

توافق هسته ای نقطه صفر نیست

منوچهر مقصودنیا



نظر من ما با نظامی توانیتر مواجه هستیم. چنین نظامیاتی تحمل باز شدن فضای سیاسی را ندارند. چرا که با باز شدن کمترین فضای سیاسی، نظام فروخواهد پاشید. اتاق فکر نظام هم بر این ارزیابی بوده و تن به باز شدن فضای سیاسی نخواهد داد. اصولا بدون جنبش گسترده مردمی و بدون وجود اپوزیسیونی که بخواهد و بتواند چنین جنبشی را هدایت نماید، نمی توان امید به باز شدن فضای سیاسی و یا تغییرات بنیادین سیاسی داشت.

وعده های روحانی اساسا در خدمت تداوم نظام است. روحانی و مدافع اصلی اش رفسنجانی، به این نتیجه رسیده اند که سیاست دیگری برای حفظ و تداوم نظام لازم است. آنها خواهان آنچه تغییراتی می باشند که به اساس نظام ضربه نزنند. آیا تغییرات مورد نظر روحانی می تواند شکاف درون نظام را تشدید کرده و فرصتی به مردم و اپوزیسیون برای تاثیرگذاری بدهد؟ آینده بهتر می تواند به این سوال پاسخ بدهد. اما ما همیشه خواهان تحول بوده و از موضع اپوزیسیون از مسئولین هم می خواهیم به وعده های خودشان، اگر در راستای خواست های تحول طلبانه مان باشد، عمل کنند. می توان از سیاست ها و تاکتیک های فرصت آفرین، برای عملی کردن تحولات مورد نظر خود بهره گرفت. ولی نباید توهم ایجاد کرد. توهمی که مثلا "اصلاح طلبان" ایجاد کرده و با مصادره گفتمان اصلاح طلبی آنرا به بیراهه برده اند، و امید کاذب به تغییر در درون نظام را دامن زدند.

- به نظر شما انجام این توافق تا چه حد میتواند در رفع و بهبود دشواریهای اقتصادی و معضلاتی مانند فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی موثر واقع شود و چگونه میتواند راهبرد سیاسی- اقتصادی دولت را متحول و بر جهت گیری آن نقش داشته باشد؟

مگر عمر رژیم با موضوع هسته ای شروع شده تا با توافق صورت گرفته و رفع تدریجی تحریمها، از دشواریهای اقتصادی و معضلاتی مانند فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی کاسته شود؟ بحران هسته ای و تحریم های اقتصادی کمتر از ده ساله که گریبانگیر رژیم شده است. آیا قیل از این بحران، کشور گل و لبلیل بود؟ آیا اقتصاد مواجه با دشواری نبوده و فقر وجود نداشته است؟ این معضلات بیش از همه نتیجه حاکمیت جمهوری اسلامی و سیاست های غلط این رژیم می باشد. و بدون کنار رفتن آن خام خیالی خواهد بود اگر که به بهبود دشواریهای اقتصادی و معضلاتی مانند فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی، دل بسته شود. مثلا این ننگی بزرگ برای کشورماست که با چنین ثروت و درآمد نفتی، زنان حامله بر روی کارتون خوابیده و هزاران کودک ...

ادامه در صفحه ۱۹

جلوگیری جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای و تشننش زدائی با ایران، امریکا بر این ارزیابی است که در منطقه ای که بیش از پیش بر ناامنی اش افزوده می شود، در منطقه ای که مثلا در دو کشور مهم آن، عراق و سوریه، عملا دولتی وجود ندارد و کشورهای دیگری هم مانند یمن، مصر، بحرین و .. با بحران و یا جنگ داخلی مواجه هستند، وجود ایرانی که حداقل می توان با او به مذاکره و توافقات بر روی انگیزه های مشترک رسید، غنیمت است. بخصوص اگر توجه شود که دورنمایی برای تغییر در ایران بچشم نمی خورد و اپوزیسیون جدی ای هم برای انجام چنین تغییراتی دیده نمی شود. در چنین وضعیتی سیاست اوپاما، یک چرخش است.

- آیا این توافق هسته ای می تواند موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در کوتاه یا میان مدت شود؟

توافق هسته ای منجر به این خواهد شد تا مجددا صدها میلیارد پول نفت و گاز بدست دولت، بنیادها و دیگر نهادهای قدرتمند اقتصادی مانند سپاه برسد. مردم، اما عنوانی عام است. مردم از اقشار و گروههای متفاوت و بعضا دارای منافع متضاد تشکیل شده اند. کدام مردم مورد نظر است؟ چه بخش از مردم؟ مسلمانا بخششی از مردم، بخصوص نزدیکان به نظام و انبوه رانت خواران، از آن سود خواهند برد. و همینطور اقلیتی هم خارج و یا در حاشیه نظام، یعنی همانهایی که در ۲۵ سال گذشته به باشگاه میلیونرها با مقیاس دلار پیوستند. اما مردمان زحمتکش و نیروی کار کمترین سود را از این توافق نصیب خواهند برد. همانگونه که کمترین سود را در زمان ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد، با حدود هزار میلیارد دلار درآمد نفتی برده اند. این توافق بیش از همه برای رژیم فرصت خواهد خرید تا به حکومتش تداوم بخشد. بی جهت نیست که رژیم تن به این توافق تسلیم طلبانه داده و از تمامی خط قرمزهایش عبور کرده است. رژیم و طیف های متنوع رانت خوارش، به درآمدهای صدها میلیاردی نفتی خو کرده و می خواهند دوباره بدان دسترسی پیدا نمایند. بدون این درآمدها، نه می تواند در داخل سرپا مانده و نه به سیاست های ماجراجویانه اش در بیرون از مرزها ادامه بدهد. این کلیت نظام است که بیش از همه از نتایج توافق سود خواهد برد.

- روحانی انجام وعده های انتخاباتی اش به مردم را موقوف به بعد از دست یافتن به این توافق کرده بود، فکر میکنید اینک که توافق حاصل شده، او شروع به وعده هایی که به مردم داده بود کند؟

- فکر میکنید فضای سیاسی بعد از توافق با پیش از آن به کدام جهت سمتگیری کند، به طرف باز شدن یا بسته شدن؟

به دو سوال بالا یکجا جواب می دهم. از

- مذاکره ایران و ۵+۱، بر سر مسئله هسته ای پس از سال ها کشمکش و فراز و فرود سرانجام به نتیجه رسید و طرفین در پیش از ظهر سه شنبه ۱۴ ژوئیه در وین پایتخت اطریش سندی را که در مورد آن به توافق رسیده بودند امضاء کردند. نظر و ارزیابی شما از این توافق چیست، آیا آن را عادلانه و مثبت و به سود ایران و مردم میدانید یا به سود حکومت؟

در این سوال شما از جمله آمده است "مسئله هسته ای پس از سال ها کشمکش و فراز و فرود"، یعنی پروژه هسته ای پس زمینه ای طولانی دارد. پروژه هسته ای اساسا، پروژه ای زیانبار، غیر اقتصادی، مغایر سیاست های حفظ محیط زیستی و ویرانگر بوده که صدها میلیارد سرمایه مملکت را بدون حداقل بازدهی بلعید. پروژه ای که کلیت نظام، و بخصوص شخص ولی فقیه و سرداران سپاه برای تولید بمب اتمی در سر داشته و برای اجرای آن کشور را به لبه پرتگاه اقتصادی کشانند. در نتیجه من تنها به توافق و نتایج مثبت احتمالی اش نگاه نمی کنم. من بیش از همه از این خشمگین هستم که چنین کسانی بر ما حاکم بوده و سیاست های این چنین زیانبار و خطرناک را به اجرا در آوردند. بیش از آن خشمگین ام که جایی برای خوشحالی باقی بگذارد. و ناامید از اینکه ما فاقد اپوزیسیونی هستیم که بتواند از این موقعیت سود برده و فشار خود را برحاکمان فعلی در ایران افزایش دهد. اپوزیسیونی که یک صدا خواهان برکناری مسبب اصلی این سیاست، یعنی ولی فقیه شود.

- اوپاما در پی امضای این توافقنامه آن را نشانه ای از کامیابی سیاست جدید آمریکا در حل مناقشات بین المللی از طریق سیاسی خواند، این گفته را تا چه حد درست میدانید و آیا می شود امضاء توافق حکومت در ایران را نیز نشانه ای از یک چرخش در سیاست خارجی دانست یا نه اقدامی است موردی برای خلاصی از یک تنگنا؟

اوپاما خواهان تشنن زدائی در منطقه بوده و تلاش دارد تا از گسترش بحران، ناامنی و بی ثباتی بکاهد. خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق و افغانستان و تلاش برای بهبود رابطه با ایران را در این زمینه می توان ارزیابی کرد. اگرچه با افزایش استخراج نفت در امریکا، از اهمیت منطقه نفت خیز خاورمیانه نزد امریکا کاسته شده است، اما هنوز بدلیل موقعیت جهانی امریکا و بخصوص توان نظامی اش، نمی تواند نسبت به منطقه مهمی مانند خاورمیانه بی طرف بوده و نقش نظاره گر را بازی نماید.

در ارتباط با ایران، جدا از سیاست



بیرون آوردن این سنگی که سالها پیش دیوانگانی در چاه افکنده بودند ... سیامک فرید

در ایران سرمایه جذب کند بسیار بیش از صنایع نفت و گاز و اتومبیل سازی است، به عنوان مثال مشکلی مثل نبود آزادی پوشش به تنهایی می تواند صنعت توریست و بازار پوشاک را متاثر کند و یا غیر رقابتی بودن سرمایه گذاری و برخورداری مافیای نظامی امنیتی از رانت اطلاعاتی مانع رقابت سرمایه گذاری خواهد بود. یکی از نخستین وعده های روحانی این بود که سانتیپوفوژ بچرخد و تحریمها برداشته شود و با این توافق به نظر می رسد که تا اینجا این وعده به پیش رفته است. موفقیت تیم روحانی در این مرحله به وی نیروی تازه ای می دهد که اگر بتواند و بخواهد که از آن استفاده کند، می توان انتظار داشت که برخی از وعده های دیگر نیز عملی گردد اما باید توجه داشت که نیروی که به هر دلیل زیر بار این توافق رفته است وی را آسوده نخواهد گذاشت. این توافق نامه دارای نکاتی است که اگر روحانی نتواند یک پایه اجتماعی پر قدرت برای خودش جمع کند ممکن است هر کدام آن نکته ها به بحران عمیق و بازگشت به عقب منتهی شود. بدیهی است که روحانی نمی تواند مدت زیادی روی این پیروزی بخواهد و درخواستهای دیگری که برایش رأی آورده است را فراموش کند. وعده ای که در روز شادمانی مردم پس از توافق بسیار شنیده شد و آن رفع حصر از رهبران جنبش سبز بود، اما به جرأت می توان گفت حل این این مسأله به مراتب دشوارتر از به نتیجه رسیدن با « شیطان بزرگش خواهد بود.

- فکر میکنید فضای سیاسی بعد از توافق با پیش از آن به کدام جهت سمتگیری کند، به طرف باز شدن یا بسته شدن؟
- به نظر شما انجام این توافق تا چه حد میتواند در رفع و بهبود دشواریهای اقتصادی و معضلتی مانند فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی موثر واقع شود و چقدر میتواند راهبرد سیاسی- اقتصادی دولت را متحول و بر جهت گیری آن نقش داشته باشد؟

باز شدن و بسته شدن فضای سیاسی همانطور که اشاره کردم به درایت دولت در سیاست داخلی و جهت گیری عمومی مردم بستگی دارد. رهبری جمهوری اسلامی همانطور که بارها گوشزد کرده است جنگ را خاتمه یافته نمی بیند و برعکس در حال انجام این جنگ است. نرمش قهرمانانه نیز یک تاکتیک جنگی بیشتر برایش نیست و هنوز در بر روی همان پاشنه سابق می چرخد، ولی آنچه وی را وادار به پذیرش نرمش قهرمانانه کرد در عین حال توجه وی به برخی از واقعیتها و فشار افکار عمومی بر وی بود. وجود این دو عامل می تواند وی را از مواضعش عقب بکشد ...

ادامه در صفحه ۲۰

حزب جمهوریخواه و لابی اسرائیل این سیاست به پیش رفت و تا اینجا به اهداف خود رسید اما در مورد ایران وضع کمی متفاوت است، پس از انتخابات ۱۳۸۸ و استقبالی وسیع مردم از موسوی که خواهان تغییراتی در سیاست خارجی و تنش زدایی بود قدرت حاکم در مقابل این خواست تغییر مقاومت کرد و با تحمیل احمدی نژاد که در سیاست نطرش به نظر رهبری نزدیکتر بود، نه تنها تنش زدایی صورت نگرفت بلکه به شکل مصنوعی به تنشها دامن زده شد. سخنان تنش آفرین احمدی نژاد و رهبری جمهوری اسلامی و افزایش غنی سازی و نمایش بی وقفه توان جنگی، قطع نامه های سازمان ملل و شورای امنیت را به سوی ایران سرازیر کرد و در پی آن گسترش تحریمها کشور را در بحران عمیق اقتصادی فرو برد. واقعیت این است که از سوئی چرخش در سیاست خارجی الزامی بود و از سوی دیگر این چرخش از نظر برخی از چهره های نظام می تواند تاکتیکی و زودگذر و به قول رهبر نرمش قهرمانانه باشد. فلسفه نرمش قهرمانانه از دید رهبری جمهوری اسلامی مطابق مثالی که خودش زده است نشان دادن نرمش و فریب دشمن برای حمله و گرفتن زیر در کشتی پهلووانی است اما آنچه وی نرمش قهرمانانه می خواند چیزی جز تحمیل واقعیات برای تغییر جهت نیست و این تعبیر رهبری جمهوری اسلامی می تواند بیشتر برای توجیه طرفدارانش مصرف داخلی داشته باشد.

- آیا این توافق هسته ای می تواند موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در کوتاه یا میان مدت شود؟
- روحانی انجام وعده های انتخاباتی اش به مردم را موکول به بعد از دست یافتن به این توافق کرده بود، فکر میکنید اینک که توافق حاصل شده، او شروع به وعده هایی که به مردم داده بود کند؟

بی تردید این توافق بسیاری از مشکلات را که ناشی از تحریمهای اقتصادی بود برطرف خواهد کرد اما اگر منظور این باشد که این توافق میتواند مشکلات عدیده اقتصادی مردم ایران را در بلند مدت برطرف کند باید گفت تا زمانی که ساختار و قوانین فعلی حاکم است، چنین امیدی نمی توان داشت. جلب سرمایه های خارجی در صورت عدم تغییر رادیکال در سیاست خارجی و تغییر قوانین و رویکردهای داخلی میسر نیست. اینکه می گویم میسر نیست به چند دلیل ساده قابل اثبات است. نظام رانت خواری و مافیای امنیتی نظامی در اقتصاد ایران از عمده عوامل بحران است، وجود این عامل بحران در اقتصاد بازار اقتصادی ایران را برای سرمایه گذاری ناامن می کند و عدم امنیت اقتصادی یکی از عوامل فرار سرمایه است. باید توجه داشت که صنایعی که می تواند

- مذاکره ایران و ۱+۵، بر سر مسئله هسته ای پس از سال ها کشمکش و فراز و فرود سرانجام به نتیجه رسید و طرفین در پیش از ظهر سه شنبه ۱۴ ژوئیه در وین پایتخت اطریش سندی را که در مورد آن به توافق رسیده بودند امضاء کردند. نظر و ارزیابی شما از این توافق چیست، آیا آن را عادلانه و مثبت و به سود ایران و مردم میدانید یا به سود حکومت؟

من هم مانند بسیاری از مردم از این توافق خوشحالم و فکر می کنم حتی آن ها که ساز مخالفت می زنند اگر بخواهند چنین گزینه ای را با جنگ و تحریم مقایسه کنند ناچارند بپذیرند که گام بلندی از جنگ و اثرات ویرانگر تحریم دور شدیم. این همان چیزی است که در مرحله نخست مایه خوشحالی و شادمانی من و بسیاری از مردم است اما بکار بردن کلمه عادلانه که شما سئوال کردید به نظر من جای بحث دارد. این توافق از نگاهی می تواند عادلانه نباشد اما مثبت و در کل به سود مردم هم باشد. به این دلیل می گویم که از نگاهی می تواند عادلانه نباشد که بدانیم قدرتهای بزرگ نظامی و اقتصادی جهان یا همان ۱+۵ خط کش و تراز یکسانی برای وادار کردن برخی از کشورها به رعایت چنین تعهداتی ندارند، از این جهت تعهداتی را که جمهوری اسلامی وادار به قبول آن ها شد را نمی توان در مقیاس مقایسه عادلانه دانست، اما در کلیت خود به سود حاکمیت و مردم بود که چنین تعهداتی در مقابل برداشتن تحریمها داده شود. به هر حال برای بیرون آوردن این سنگی که سالها پیش دیوانگانی در چاه افکنده بودند درایت و دیپلماتهای عاقل نیاز داشت تا از چاه خارج شود.

- اوپاما در پی امضای این توافقنامه آن را نشانه ای از کامیابی سیاست جدید آمریکا در حل مناقشات بین المللی از طریق سیاسی خواند، این گفته را تا چه حد درست میدانید و آیا می شود امضاء توافق حکومت در ایران را نیز نشانه ای از یک چرخش در سیاست خارجی دانست یا نه اقدامی است موردی برای خلاصی از یک تنگنا؟

به نظر من تلاش اوپاما با همه مشکلاتی که بر سر راهش قرار داشت ستایش برانگیز بود. در اولین دوره ریاست جمهوری وی تلاش کرد تا مناقشه فلسطین و اسرائیل را از طریق گفتگو حل کند ولی دیدیم که بسیار زود از مواضع نخستین خود عقب نشست و مذاکرات هم بجائی نرسید، اما در مورد ایران اوپاما توانست به پیروزی درخشانی دست یابد، با توجه به فشار سنگین

دشواری اصلی، هسته اصلی قدرت است! بهباد کریمی



دارد. یک برخورد بر آن بوده و است که در زمینه برنامه هسته‌ای می توان عقب نشینی هایی کرد اما در سیاست "مرگ بر امریکا" نه، حال آنکه رویکرد دیگر بر آن بوده که برای پیشبرد برنامه راهبردی هسته‌ای می توان حتی با "شیطان بزرگ" دست هایی داد! این دو اما در واقعیت نمی توانند از هم منفک شوند. آنچه که موجب این سازش شد از جمله به دلیل سر برآوردن چالش های مشترک در منطقه میان "عرب" و جمهوری اسلامی بود. من با برداشت های مبنی بر چرخش در سیاست جمهوری اسلامی موافق نیستم و دستکم هسته سخت قدرت در جمهوری اسلامی را کماکان مشتاق پیشبرد استراتژی دیرینه اش مبنی بر "تعرض اسلامی" و "نهضت منطقه‌ای شیعی" می دانم. مهار چنین رویکردی نیز بسته به آنست که چنین گزینه و رویکردی بن بست بودن خود را هر چه بیشتر نشان بدهد تا موجب عقب نشاندن عوامل آن شود. من هنوز نمی توانم از عملی شدن چنین عقب نشینی در حکومت سخن بگویم.

شادی جامعه ایران از این توافق را از شادی جمهوری اسلامی باید تفکیک کرد و تفاسیر مربوط به بر شدن شکاف دولت و ملت را تحریف واقعیت دانست

انتخاب آقای روحانی، پیش از همه بخاطر ورشکستگی و به بن بست رسیدن برنامه هسته‌ای در حکومت و از جمله ولی فقیه بود. مذاکرات هسته‌ای معطوف به توافق هسته‌ای، پیش از سر کار آمدن ایشان شروع شده بود. از نظر جامعه نیز در محدوده تنگ کاندیداهای ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ آقای روحانی نزدیک ترین گزینه تحقق مشی رهایی از کابوس هسته‌ای بود.

بنابراین آقای روحانی نه آفریننده این توافق که محصول رویکرد معطوف به توافق در جمهوری اسلامی بود، اگرچه باید گفت که او نقش خود را بگونه موفقیت آمیز ایفاء کرد. واقعی ترین وعده انتخاباتی او همین توافق هسته‌ای بوده است و بس. وعده‌های دیگر روحانی را در وجه عمده بیرون از اراده وی می دانم! البته از او باید خواست تا به وعده‌هایش عمل کند، اما منتظر ایشان نباید ماند. تحقق وعده‌های دیگر ایشان در گرو تحمیل اراده مطالباتی جامعه مدنی است بر حکومت و در این میان مقدم بر هر نهاد و مقام، ولایت فقیه و خامنه‌ای. باز شدن فضای سیاسی، رابطه مستقیم دارد با بسته شدن دست و پای ولایت فقیه.

باید شهامت سیاسی داشت و گفت که عقب نشینی جمهوری اسلامی نه بر اثر مقاومت فعال و مدنی مردم ایران علیه این پروژه ضد ملی - که شکل هم نگرفت - بلکه بر اثر کارآمدی استراتژی دولت امریکا بود! توافق به دست آمده، پیش از همه بمعنی به بار نشستن نقشه راه شش ساله رئیس جمهور امریکا - اوباما بود با خروجی شکست مفتضحانه استراتژی جمهوری اسلامی به رهبری ولی فقیه خامنه‌ای از آن. اوباما از فردای تحویل قدرت از جرج بوش، برای جلوگیری از ارتقاء تنش و تشنج بین جمهوری اسلامی و امریکا تا سطح جنگ نظامی، هوشمندانه دست دوستی دراز کرد و چون پاسخ نیافت فاطانه مشی جنگ اقتصادی با هدف نشان دادن جمهوری اسلامی پشت میز مذاکره و توافق را برگزید. اگر جرج بوش با پیش گرفتن سیاست تهدید نظامی هم توخالی و هم در همان حال از نظر بین المللی انزوا طلبانه موجب تقویت رویکردهای ماجراجویانه تر در طرفی مقابل شده بود، اوباما در عوض توانست وسیع ترین اجماع جهانی پشت مشی خود را تامین کند و متکی بر نوعی از محاصره اقتصادی بین المللی، سرانجام جمهوری اسلامی را وادار به تسلیم نماید. جمهوری اسلامی پس از اینهمه سال شاخ و شانه کشیدن ها و به بهای تحمیل زیان های جبران ناپذیر بر رشد و توسعه کشور و موجب سازی های گسترده برای اعمال فشارهای اقتصادی بسیار درد آور بر مردم، نه فقط چیز مهمی در رابطه با موضوع هسته‌ای به دست نیاورد بلکه به نقطه‌ای برگشت که سال ها پیش می توانست بی توسل به ماجراجویی های ایران بر باد ده، در همانجا باشد و بیايستد و پیش تر از آن نیز برود. این توافق را چنین باید فرموله کرد: جمهوری اسلامی، از اصل برنامه انمی اش خلع ید شد فقط در ازاء کسب "امتیاز" لغو تحریم های اقتصادی! روندی که با رویکردی دیگر در دهسال قبل، مطلقاً می شد که میسر آید! آری، در این بده و بستان، جمهوری اسلامی رهایی خود از وضع بحرانی را به بهای فلاتک کشاندن کشور به دست آورد. رهایی از بحرانی خود ساخته و رو به وخامت بی سابقه در همان مفهوم "خلاصی از یک تنگنا".

از نظر جامعه نیز در محدوده تنگ کاندیداهای ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ آقای روحانی نزدیک ترین گزینه تحقق مشی رهایی از کابوس هسته‌ای بود

طی همه این مدت، در رابطه با نسبت بین دو موضوع هسته‌ای و سیاست خارجی حکومت، در مرکز تصمیم گیری های آن دو رویکرد وجود داشته و کماکان هم وجود

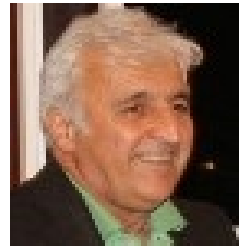
مهار پروژه هسته‌ای جمهوری اسلامی، در هر مقطع که صورت می گرفت مثبت بود و طبعاً به سود مردم ایران و کشور! نه امروز که دهسال پیش و حتی در همان آغاز. زیرا که این پروژه در بنیاد خود ماجراجویانه و متضاد با شاخصه های اقلیمی و اقتصادی و سیاسی کشور ما بود. به تاکید باید گفت که در رابطه با این برنامه ضد ملی، رویکرد ملی همانا در متوقف کردن آن قابل تعریف بوده و است. در این زمینه، نفس توقف مشخصاً بر نوع ترمز آن تقدم داشته و لذا من این توافق را به سود مردم می دانم و قبل از همه، درست به دلیل برخورداری اش از نفس توافق و نه که نوع توافق! همانگونه که هر توافق دیگری هم، چه دیروز و چه امروز حاصل می آمد به سود مردم می شد. شادی مردم در همین نکته ریشه دارد و ابراز شادی اپوزیسیون مردمی و ایران دوست از این توافق هم درست باید از همین زاویه نشأت بگیرد.

باید شهامت سیاسی داشت و گفت که عقب نشینی جمهوری اسلامی نه بر اثر مقاومت فعال و مدنی مردم ایران علیه این پروژه ضد ملی - که شکل هم نگرفت - بلکه بر اثر کارآمدی استراتژی دولت امریکا بود!

اما این توافق به سود حکومت هم شد زیرا که آن را از برخی تنگناهای ناشی از تحریم ها نجات داد ولو که در کوتاه مدت، شادی جامعه ایران از این توافق را از شادی جمهوری اسلامی باید تفکیک کرد و تفاسیر مربوط به بر شدن شکاف دولت و ملت را تحریف واقعیت دانست.

از نظر برنامه‌ای، این پروژه از همان نخست تا به فرجام یک گزینه مطلقاً مغایر با مصالح ملی ایران بود و در نتیجه شوم و بدفرجام. چگونگی پیشبرد آن نیز که لاجرم جنبه سیاسی به خود گرفت، سیاستی شد به ناگزیر کشور ستیز و علیه مردم. با اینهمه بدخیمی این پروژه قبل از اینکه در سیاست جستجو می شد، می بایست که از وجه برنامه ایی آن استنتاج می گردید. برنامه‌ای که ضد ملی بود و است.

ما نه نیازی به غنی سازی اورانیوم داشتیم و نه "آب سنگین". شرایطش را هم نداشتیم و نداریم. رفتن به طرف چنین برنامه‌ای یعنی سوق دادن کشور به سرمایه سوزی انسانی و مادی جبران ناپذیر با عوارض سیاسی و اقتصادی مهلک.



توافق: "اقدامی موردی برای رهایی از یک تنگنا"

احمد پورمندی

باشد- ناچار خواهد بود، صدای تغییر در صفوف حامیان نظام را بشنود و در تعریف ناموس و بی ناموسی - از جمله در تنظیم رابطه با جهان، تجدید نظر کند

- آیا این توافق هسته ای می تواند موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در کوتاه یا میان مدت شود؟

ایران یک کشور نفتی با یک فساد فراگیر و نهادینه شده است. هر ایرانی فکر می کند که پول نفت ارث پدر اوست و باید آنرا به هر ترتیب وصول کند. اگر با رابطه و ضابطه نشد، با قمه و زورگیری! پول نفت که برسد، همه خوشحالند! فرق نمی کند که احمدی نژاد، بریزد و بپاشد یا خاتمی به زخم اقتصاد بزند. مهم این است که پول از خزانه به سمت بازار جریان پیدا می کند و هر کس به نسبت توان و رابطه اش از این نمد کلاهی گیرش می آید! یعنی اگر نخواهیم از دیدن نوک دماغان فراتر برویم، اوضاع حتما بهتر خواهد شد! اما در یک نگاه بلند مدت و آینده نگرانه سوال این است که با این ویرانه به جا مانده از حکومت فقها و بویژه از دوران احمدی نژاد و تحریم ها، چه باید کرد؟

اگر اراده ای ملی وجود داشته باشد و یا فراهم بیاید، بهترین موقعیت برای ایران ایجاد شده تا از بحران و گرفتاری، فرصت بسازیم. مردم اگر ببینند که اراده ای برای ریشه کن کردن فساد و نوسازی اقتصادی، در حکومت وجود دارد، به این حد از شعور ملی دست یافته اند که با فقر و فاقه، به امید آینده بهتر، بسازند.

من اما، با اندوه، نمی توانم در خوشبینی برخی از دوستان شریک باشم. محافل قدرت و ثروت در ایران، تا مغز استخوان فاسدند و بر بستر این فساد نهادینه شده، تشکیل سرمایه و انباشت ثروت، بدترین مسیرها را طی خواهد کرد و پول ها پس از یک بار چرخیدن در بازار یا از بازار مستغلات سیدنی و ونکوور سر در میاورند و یا بازارهای مالی و مسکن کشور را می ترکانند. صنایع خود رو سازی به تولید بنجل ادامه می دهند و قرارگاه و بیت هم میلیاردها دلار را خواهند قاپید. هیچ نقشه آینده نگرانه ای برای نوسازی ملی، انسانی و آینده نگرانه اقتصاد وجود ندارد و در نهایت اگر بعد از کسر سهم سپاه، بیت و بنیاد های رنگارنگ، چیزی ته کاسه بماند، باید صرف تامین هزینه های جاری دستگاه دولتی شود که بسیار بزرگ، لخت، تبیل و فاسد است. بخش خصوصی امیدوار است که در جریان این گردش پول، سهم خود را بردارد، جنسی وارد یا مونتاز کند و چرخ خودش را بچرخاند.

- روحانی انجام وعده های انتخاباتی اش به مردم را موکول به بعد از دست یافتن به این توافق کرده بود، فکر میکنید اینک که توافق حاصل شده، او شروع به وعده هایی که به مردم داده بود کند؟

فکر کنم به این سوال، بطور ضمنی پاسخ داده باشم. ...

ادامه در صفحه ۳

جوشنی عزیز وام گرفته ام) برای خلاص شدن از شر ماجراجویی اتمی بود. دولت روحانی را می توان به تعبیری، دولت تک-وظیفه ای" دانست که در روزهای آینده پشتیبانی همگانی- از بیت تا بیغوله - را از دست می دهد و اگر بخواهد بماند باید خودش را باز تعریف کند.

توافق نامه ای که امضا شد، یک قدم مهم در جهت خلاص شدن از شر این ماجراجویی سیاه و ضد ملی - و بنابراین - مثبت و به سود مردم ایران است. اینکه عادلانه هست یا نه، من در اینجا درک روشنی از مفهوم عدالت ندارم. اوپاما، کری و بقیه ظاهرا خیلی خوشحالند. مردم ایران هم که ابراز خوشحالی می کنند. باید صبر کرد و دید.

- اوپاما در پی امضای این توافقنامه آن را نشانه ای از کامیابی سیاست جدید آمریکا در حل مناقشات بین المللی از طریق سیاسی خواند، این گفته را تا چه حد درست میدانید و آیا می شود امضاء توافق حکومت در ایران را نیز نشانه ای از یک چرخش در سیاست خارجی دانست یا نه اقدامی است موردی برای خلاصی از یک تنگنا؟

این سوال دو بخش است و در واقع شامل دو سوال مجزاست. در مورد " سیاست جدید آمریکا در حل مناقشات بین المللی" من ترجیح می دهم که بحث به سیاست آمریکا- یا سیاست جدید آمریکا- در رابطه با بحران خاورمیانه محدود بماند. من این برداشت را ندارم که دولت بوش دولت "میرغضب ها" بود و دولت اوپاما دولت پیامبران صلح و دوستی است. این نظر که متاسفانه از سوی برخی از منصوبان به سازمان، در رسانه های پر بیننده هم مطرح شده، یک پروپاگاندای ارزان است که در خدمت جایگزینی آرزو به جای واقعیت، پر بها دادن به موقعیت منطقه ای ایران و جا انداختن دفاع از خامنه ای به عنوان رهبر همه جناح ها و معمار استراتژی فلان و ... قرار دارد. آمریکایی ها توانستند یک اتحاد بزرگ ۵+۱ را سازماندهی و به خوبی مدیریت کنند. آنها هرگز از تاکید بر اینکه "همه گزینه ها روی میز قرار دارند" صرف نظر نکردند و در شرایطی که داعش به عنوان یک قدرت ضد شیعه و ضد جمهوری اسلامی در منطقه سر برآورد، در خوشبینانه ترین تحلیل، نظاره گر خنثای جنگ نیابتی عربستان علیه جمهوری اسلامی در یمن ماندند و از هر دوی این واقعیت های منطقه ای برای کشیدن دندان اتمی حکومت ما، بهره برداری کردند. یعنی در اینجا هم، مثل همیشه، زور و دیپلماسی دست در دست هم داشتند و دیپلمات ها حاصل زور آزمایی را جمع و جور و بسته- فرمول بندی کردند.

در مورد بخش دوم سوال، اگر حرف های خامنه ای در نماز عید فطر را جدی بگیریم و بر این نظر هم باشیم که او کماکان حرف آخر را در نظام ج. ا. می زند، در این صورت باید توافق را "اقدامی موردی برای رهایی از یک تنگنا" بدانیم.

اما به نظر می رسد که اوضاع کشور رو به تغییر است و جانشین خامنه ای- هر که

- مذاکره ایران و ۵+۱، بر سر مسئله هسته ای پس از سال ها کشمکش و فراز و فرود سرانجام به نتیجه رسید و طرفین درپیش از ظهر سه شنبه ۱۴ ژوئیه در وین پایتخت اطریش سندی را که در مورد آن به توافق رسیده بودند امضاء کردند. نظر و ارزیابی شما از این توافق چیست، آیا آن را عادلانه و مثبت و به سود ایران و مردم میدانید یا به سود حکومت؟

ابتدا، تشکر می کنم از تلاش شما، دوستان عزیز تحریریه کار، برای روشن کردن زوایای مختلف این توافق.

وقتی آقایان به هوس افتادند که بمب اتم داشته باشند، شاید تصور نمی کردند که ماجرا تا این حد کش بیاید. اما آمد و همه- یعنی ملت و کشور ایران- شدیدم گروگان این ماجراجویی. سود این گروگانگیری هم رفت به جیب مافیای روسیه، امپریالیست های چینی و غربی، که دولا پهنا به ما بنجل فروختند و مافیای نفتی- نظامی- امنیتی ایران که با شعار "حق مسلم" پروار و پروارتر شد. تا وقتی که نفت را تحریم نکرده بودند و سوئیت هم باز بود، تنها بخش آگاه تر جامعه که با جنبش سبزس ستون های نظام را به لرزه در آورد و خواب آرام را از چشم خامنه ای ربود، با ماجراجویی اتمی مساله جدی داشت. جماعت ایرانی و خارجی "کاسیان تحریم" سودشان را می بردند و راضی بودند. با تحریم نفت و بستن سوئیت، ماجرا کمی جدی شد. اول از همه، صدای دکتر- بساز و بفروشها و فوکولی هایی که در کار واردات و صادرات بودند و فرزندان در لندن و ونکوور و... داشتند، در آمد، کورش کبیری هایی که در پیست اسکی دیزین به خبرنگاران خارجی به سود حق مسلم و در تأیید احمدی نژاد مصاحبه می دادند، سرشان را دزدیدند و بعد، این ناراضی امتداد پیدا کرد تا مولفه چی هایی که اتاق های بازرگانی را تحت کنترل داشتند و تا سردار- مدیر- بساز و بفروش هایی که در قرارگاه و شرکت های خانوادگی جنب آن پول پارو می کردند و خلاصه کلام، جز آقا و بیت محترمش و شماری سردار و سردار- ملا و ویژه خوار، کسی نماند که از "حق مسلم" دفاع کند و روزهای بعد از سلسله عملیات کربلا و آن نامه رضایی به خمینی و... در پیش چشم آقا زنده شدند و چاره ای نماند جز رجوع به امام حسن و "نرمش قهرمانانه" که در واقع اسم مستعار "جام ظهر" مورد اشاره خمینی بود. در اینجا یک بار دیگر تاریخ تکرار شد و مثل روزهای قبول قطعنامه ۵۹۸، ملت، دولت و ولایت هم منفعت و همصدا شدند و "حق مسلم" هم به سرنوشت "جنگ، جنگ تا پیروزی" دچار و به پایگانی تاریخ حماقت های ملی و دولتی سپرده شد! روی کار آمدن- آوردن دولت روحانی، نتیجه این "وفاق همگانی" (این ترم را از دکتر

توافق هسته ای مصداق خوبی از یک توافق برد - برد است

علی پورنقوی



نیستم که جمهوری اسلامی تا پیش از حصول توافق جامع، در صدد ساختن سلاح هسته ای بوده است. خیر، اما معتقدم برنامه هسته ای جمهوری اسلامی، حداقل در برخی از دوره هایش، هدف تبدیل شدن به یک "قدرت مجازی هسته ای" را تعقیب می کرده است؛ یعنی دسترسی به چنان سطحی از دانش و تکنیک هسته ای که به اتکاء آن به سرعت بتوان - اگر خواست - سلاح هسته ای تولید کرد. به نظر من توافق هسته ای توهم چنین هدفی را - حداقل بدون خروج از آژانس بین المللی انرژی اتمی - بر تمامیت جمهوری اسلامی آشکار کرده است. به اشاره بگویم که از همین رو از این پس ادامه غنی سازی در کادر برنامه هسته ای جمهوری اسلامی و امکانات کشور ما برای توسعه داخلی آن، فاقد هر توجیهی - اعم از اقتصادی، سیاسی یا نظامی - است.

از یک گام نزدیک شدن مردم ما به وداع با انرژی هسته ای گفتیم. در آلمان قریب ۲۵ سال طول کشید تا مردم به انرژی هسته ای "نه" بگویند. مردم ما نیز، دستکم تا حدودی، نیازمند اطلاع و تجربه بومی از فرصتها و تهدیدهای انرژی هسته ای اند. یک شبه نمی توان مردم را به فراندوم در مورد انرژی هسته ای فراخواند. در این سالهای طولانی تنش و غلبه فضای رودرروئی، از هم با قدرت آمریکا، جامعه ما نمی توانست بر این سؤال تأمل کند که "آیا در یک برنامه انرژیایی بلندمدت برای جامعه ایران جایی هم برای انرژی هسته ای هست؟" جمهوری اسلامی هم ابتدا علاقه ای نداشت که به این پرسش بپردازد. انرژی هسته ای - تأکید می کنم انرژی هسته ای و نه تکنولوژی هسته ای - به نظر من یک انرژی بی آینده در سیاست انرژیایی ایران است. بی آن که بخواهم "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" را شعار مسلط دوره ای از حیات کشور بدانم، اما مقایسه ای بین فضای آن زمان و فضای کنونی من را مجاب می کند که اکنون حدودی از آن اطلاع و تجربه بومی برای "نه" گفتن مردم ایران به انرژی هسته ای حاصل شده است.

- آیا این توافق هسته ای می تواند موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در کوتاه یا میان مدت شود؟

روشن است که به هر حال توافق هسته ای موجب تخفیف و رفع تحریمها در مدت نسبتاً کوتاهی خواهد شد. درآمدهای نفتی ایران افزایش، و دشواریهای تجارت خارجی که بخش خصوصی نیز با آنها مواجه است، کاهش خواهند یافت. طبعاً همین تغییرات تا حدودی از فشارهای اقتصادی بر مردم خواهند کاست. قابل تصور است که "بهبودهایی" سطحی و گذرا در وضعیت اقتصادی - و با توجه به نزدیکی انتخابات مجلس، همچنین در وضعیت اجتماعی - حاصل شوند و حاکمیت هم این تغییر را دستمایه ای ...

به نظر من این توافق هسته ای شامل معدودی واقعیت است و بسیاری پتانسیل. منظورم واقعیتها و پتانسیلهای الزاماً متجانس و همخوان با هم نیستند، بلکه این واقعیتها و پتانسیلها می توانند اکیداً معارض یکدیگر نیز باشند یا بشوند. واقعیت نخست و ارزشمندتر از همه کاهش تنش میان ایران و بخش قابل توجهی از جهان خارج، خاصه آمریکا است؛ تنشی که هزینه های سنگینی را برای کشور ما به همراه داشته و می توانست هزینه های باز هم سنگینتری را به همراه داشته باشد. مایل ام، در شرایطی که ما شاهد رشد تمایلات ناسیونالیستی اقتدارگرا در میان بسیاری از نیروهای کشورمان ایم، تأکید کنم که من جز صلح هیچ منفعت ملی دیگری را برای ایران در منطقه نمی شناسم و درست از این زاویه است که واقعیت گفته شده را، هم به خودی خود و هم به لحاظ ثمرات موجود و ممکن آن، ارزشمندتر از هر واقعیت دیگر منبعت از توافق هسته ای می دانم.

واقعیت دیگر، و همزاد واقعیت نخست، انتقاعی قطعی سیاست "تغییر رژیم" جمهوری اسلامی توسط آمریکا است. مصاحبه اواما با نیویورک تایمز، در همان روز اعلام توافق جامع، از این زاویه بسیار گویا است. حرف مرکزی اواما در این مصاحبه این است: نه تغییر رژیم، نه حتی تغییر رفتار رژیم به طور کلی، بلکه تغییر رفتار رژیم در آنجاهائی که با منافع آمریکا جداً اصطکاک می یابد؛ در وضع مشخص کنونی یعنی تغییر در رویکرد آن در برنامه هسته ای. اهمیت این موضوع در درجه اول در مناسبات و فضای محاسبه پذیرتر و پالایش یافته تری است که می تواند میان حاکمیت و کل جامعه فراهم آید. سیاست تغییر رژیم فضائی غبارآلوده و دستاویزی را برای حاکمیت ایجاد می کرد تا تماماً محاسبه ناپذیر عمل کند و از جنبش سبز و هر تعارض سیاسی تا طرح مطالبات جامعه و هر ابتکار فرهنگی را به آن بچسباند و به سرکوبش برآید.

چنان که گفتیم توافق هسته ای بسیاری پتانسیلها را نیز شامل است؛ هم فرصت و هم تهدید. فرصتی برای پرداختن به دشواریهای داخلی، یا بر عکس تهدیدی برای دامن زدن به رقابتهای منطقه ای و جنگهای فرقه ای و نیابتی. فرصتی برای نگاهی واقعینانه به واقعیتهای جهان امروز - نه فقط توسط جمهوری اسلامی بلکه همچنین توسط نیروهای اپوزیسیون آن، یا برعکس تهدیدی برای تقویت ناسیونالیسم اقتدارگرا، ... باید تصریح کنم که تحقق این پتانسیلها یا پیشگیری از آنها را نباید و نمی توان تنها به حاکمیت سپرد. سمت و سوی روندها تنها توسط رفتار حاکمیت تعیین نمی شود.

مایلم بر یک زاویه، امیدوارم بحث برانگیز نیز، اشاره داشته باشم. برداشت من این است که این توافق، کل نظام جمهوری اسلامی را به وداع با اسلحه هسته ای و مردم ما را یک گام به وداع با انرژی هسته ای ترغیب کرده است. اشتباه نشود! من معتقد

- مذاکره کنندگان پرونده هسته ای ایران و کشورهای ۱+۵، بالاخره به توافق دست یافتند. پس از ۱۸ روز گفت وگوهای نفسگیر، روز سه شنبه ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ توافق جامع پرونده اتمی ایران اعلام شد. ارزیابی شما از جزئیات توافق هسته ای بوجود آمده چیست؟

مایلم ابتدا شادمانی ام را از حصول توافق هسته ای ابراز دارم و از این بابت به مردم ایران و عموم صلح خواهان تبریک بگویم. دولت روحانی می تواند به حق بابت تحقق یکی از مهمترین وعده های انتخاباتی خود به مردم، مفتخر باشد.

من اگر بخواهم مضمون توافق هسته ای را، که گفته می شود جزئیات آن صد صفحه است، در چند جمله خلاصه کنم، آن چند جمله عبارت خواهند بود از: ۱- مهار جهات ممکنه نظامی، اعم از امکان واقعی یا مجازی، در برنامه هسته ای جمهوری اسلامی، ۲- تضمین بالا برای تداوم این برنامه در مسیر صلح آمیز در یک دهه پیش رو، ۳- امکان غنی سازی برای جمهوری اسلامی در کادر موارد ۱ و ۲ گفته شده، ۴- رفع تحریمهای مرتبط با برنامه هسته ای علیه جمهوری اسلامی، در مسیری چند ماهه.

بر همین اساس می توان گفت که توافق هسته ای مصداق خوبی از یک توافق برد - برد است؛ توافق برد - برد، نه به این معنا که هر یک از طرفین قیمت گزافی را برای دست یافتن به خواستی بالنسبه ناچیز پرداخته، بلکه به معنای رسیدن به اساس خواست خویش. در ۴ جمله بالا، ۲ جمله نخست مبین خواست اساسی یک طرف و دو تای بعدی مبین خواست اساسی طرف دیگر اند.

البته می توان بر "خواست اساسی" طرفین مکت کرد و پرسید که آیا آنها در خلال این کشاکش ۱۲ ساله همان خواست اساسی را تعقیب می کرده اند؟ آیا هزینه ای که پرداخته اند همانی است که در خواست اساسی طرف مقابل منعکس است؟ می توان همچنین دست به نیت خوانی طرفین زد. اما پاسخ آن سوالات همه منفی است و کوشش برای نیت خوانی، نافی راه حل.

می ماند تصریح این نکته که قضاوت من در باره این توافق، به عنوان یک توافق برد - برد، اکیداً در کادر مذاکرات کنونی و تعادل وضع در لحظه فعلی معتبر است و نه به عنوان قضاوتی در باره یک کشمکش طولانی که در لحظات مختلفی از آن می شد به گونه دیگری عمل کرد و دست به انتخابهای دیگر زد.

- این توافق هسته ای چه دستاوردی برای ایران در عرصه جهانی و منطقه ای دارد؟ توافق صورت گرفته در چارچوب منافع ملی ایران است؟

توافق هسته‌ای مصداق ...

ادامه از صفحه ۱۷

برای رونق انتخابات آینده مجلس کند. اما برداشت من از این سؤال این است که "آیا جمهوری اسلامی برنامه ای برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم پس از حصول توافق هسته ای دارد یا نه؟"

بهبود در وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم مستلزم رویکرد مسلط دیگری در حاکمیت نسبت به مناسبات بین المللی و نسبت به موضوع حکمرانی است. اما من هنوز مجاب نشده ام که رویکرد سالهای اخیر نظام جمهوری اسلامی نسبت به پرونده هسته ای و مشخصاً حصول توافق جامع، ناشی از تغییر در الگو و انگاره این نظام و مشخصاً در رأس آن، نسبت به مناسبات بین المللی و موضوع حکمرانی بوده است. به عبارت دیگر این رویکرد می تواند اساساً ناشی از فشار تحریمها - خاصه تحریمهای مراحل آخر - نیز بوده باشد. متأسفانه فراین ریز و درشت برای این برداشت کم نیستند: از تأکیدات مکرر تا همین اواخر بر اقتصاد مقاومتی - در حالی که دیگر توافق هسته ای آشکارا ناگزیر شده بود، و رئیس برنامه ۶ ساله ای که اخیراً ابلاغ شدند، تا سخنرانی چند روز پیش خامنه ای برای جمعی از دانشجویان ووو، اینها همگی فقط نمونه هایی از آن بسیار قراین اند.

علاوه بر این هستند تحلیل گرانی در عرصه اقتصاد که پیشتر از این از "پیش خور شدن توافق هسته ای" خبر داده اند؛ کما این که تغییر شدیدی هم که انتظار می رفت پس از توافق هسته ای در نرخ ارز رخ دهد، واقع نشد. نرخ ارز اندکی به نفع ریال کاهش یافت و سپس تقریباً به جای اول برگشت. در ضمن در نظر داشته باشید که اقتصاد ایران با بسیاری دشواریهای پایه ای مواجه است که تزریق قدری پول در آن نمی تواند به بهبود پایداریش بیانجامد. سروکار ما با یک اقتصاد دولتی است که بنیانش بر تک محصول نفت است و چنته دولت اش برای سامان و توسعه آن تقریباً خالی است.

اقتصادی که اساس سازمان آن دوام وضع کنونی است و نه ارتقاء و توسعه آن.

- برخورد مخالفان توافق هسته ای ("دلوپسان"، برخی کشورهای منطقه و دولت اسرائیل) با توافق انجام شده چه می باشد؟

من درست نمی دانم که ما عموم مخالفان توافق هسته ای را به یک چوب برانیم. به علاوه یک درس بزرگ توافق هسته ای پافشاری و پایداری برای یافتن راه های مصالحه است.

از این "برخی کشورهای منطقه" شروع کنم؛ منظور مقدماتاً عربستان است. در این بحثی نیست که دولت عربستان یک دولت ارتجاعی قرون وسطائی است و نیازی نیست که بر تبعیضات و تزییقات در جامعه عربستان نسبت به زنان، زنگیان و دیگران تأکید شود.

اگر عرصه ای برای "مداخله" در امور عربستان توسط دیگران وجود داشته باشد، که دارد، این عرصه حقوق بشر است و ضوابط و مجاری آن هم، ضوابط و مجاری سازمان مللی. اما برای نمونه، وضع زنان در عربستان دغدغه جمهوری اسلامی نیست، زیرا چنین دغدغه ای مثل بومرنگ علیه خود جمهوری اسلامی عمل خواهد کرد. در واقع آنچه هست، رقابتی است بین جمهوری اسلامی و عربستان برای تفوق منطقه ای؛ بی آن که بتوان ابزار، روشها و اهداف یکی از این دو را شریف و از آن دیگری را در قیاس با اولی پلید نامید.

به علاوه نگاهی به سابقه مناسبات دو کشور از پس از انقلاب اسلامی نیز، کفه را چندان به نفع جمهوری اسلامی تغییر نخواهد داد و در نظر داشته باشیم که واکنش عربستان نسبت به تفاهم و توافق هسته ای هم اگر دوستانه نبوده، اما خصمانه نیز نبوده است. از این رو من بر این نظرم که باید در راه رفع اختلافات با عربستان گام گذاشت.

اسرائیل شرح دیگری دارد. تحرک سیاست و نقش اپوزیسیون و جامعه مدنی برای تغییر سیاست در آن قابل قیاس با عربستان نیست. شکی نیست که توافق هسته ای شکست سنگینی برای نتانیاهو است؛ چه در مقابل جمهوری اسلامی و چه در مناسباتش با امریکا. جمهوری اسلامی همواره تبیینی ایدئولوژیک از

اختلافاتش با اسرائیل داشته است. سیاست نتانیاهو، جدا از نیاز به دشمن تراشی صرف و سرپوش مسائل داخلی و ادامه تضییع حقوق فلسطینیان، فاقد کوشش متقابلی برای تبیین ایدئولوژیک این اختلافات نبود. اکنون این سیاست شکست خورده است. اما به نظر من جامعه اسرائیل برای این که این دست شکستها را هضم کند و "بپردازد"، فاقد استعدادها کمی نیست، خاصه این که اطمینان جهان از صلح آمیز بودن برنامه هسته ای جمهوری اسلامی و بنابراین "رفع خطر هسته ای ایران علیه اسرائیل" می تواند این کشور را به رویکرد دیگری نسبت به "مسئله فلسطین" ترغیب کند.

من با حصول توافق موقت هسته ای این پتانسیل را دیدم که حتی تنش میان ایران و اسرائیل نیز تخفیف یابد. هنوز نیز چنین فکر می کنم، اما با توجه به واکنشهای کسی چون ظریف و حتی کسانی در اپوزیسیون برای تبدیل توافق به ابزاری علیه اسرائیل - نه نتانیاهو - منتفی نمی دانم این اسرائیل باشد که به عنوان نخستین طرف دست تخفیف اختلاف را به سوی ایران دراز کند.

"دلوپسان" شرح ثالثی دارند. به نظر من واکنش آنان نسبت به توافق جامع خفیفتر از آنی بوده است که هم خودشان و هم دیگرانی ترسیم می کرده اند. اشتباه است اگر فکر کنیم این واکنش خفیف از آن روست که آنان توافق را پیش بینی نمی کردند و اکنون در شوک باخت خویش اند. انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ پشتوانه ضعیف "دلوپسانی" را چه در جامعه و چه در حاکمیت آشکار کرد و روندهای دو سال اخیر نیز این پشتوانه ضعیف را ضعیفتر کرده اند. سخن چندی پیش مصباح یزدی دایر بر امکان توافق "برد - برد" حتی با دشمن، سخن نمونه وار "ستون خیمه" آنان و حاکی از وقوف شان به توافق هسته ای بود. به علاوه، چون نیک بنگریم، با آشکار شدن توهمی بودن "قدرت هسته ای مجازی"، کلاً دیگر دلیلی برای مخالفت حاد با توافق باقی نمی ماند. به نظر من "دلوپسان" به این نتیجه رسیده اند که از صرف قوا در میدانی که در آن مطلقاً ضعیف اند، برهیز کنند و شانس شان را در میدانهای دیگری بیازمایند که در آنها احتمالاً در جامعه، اما قطعاً در حاکمیت، از توان بیشتری برخوردارند.

توافق: "اقدامی موردی ...

ادامه از صفحه ۲

- اگر توضیح دیگری را لازم می دانید برای خوانندگان سایت کارآنان در خصوص توافق هسته ای در میان بگذارید، بفرمایید.

تردیدی نیست که دو انتخابات مجلس شورا و خبرگان بسیار مهم هستند و باید با سهم گیری جدی در روند انتخابات، حساسیت مردم را برانگیخت و ارزش برگه رای را بالا برد. اما، به باور من، مهم تر از این دو انتخابات، داشتن برنامه روشن برای روز های بعد از مرگ خامنه ایست. عمر دیکتاتور رو به پایان است و مرگ او فرصتی بی نظیر فراهم می آورد تا بساط ولایت فقیه برچیده شود. پیشتر در این مورد نوشته ام و کماکان فکر می کنم که اصلاح طلبان باید آقای خاتمی را به عنوان رهبر آینده لاسه کنند و ما سکولار ها هم- بدون درگیری مستقیم با قانون اساسی - باید شعار انتخاب مستقیم رهبر آینده را پیش بکشیم و فراموش نکنیم که گارباچف از دل دستگاه در آمد و به عمر آن پایان داد- خواسته یا ناخواسته اش چه اهمیتی دارد؟

- با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

من هم از شما برای این امکانی که فراهم کردید، ممنونم

آرام شدن مناسبات ...

ادامه از صفحه ۷

متأسفانه در کشور ما تنها و یا بیشتر در زمان انتخاباتهاست که برآمد نیروی مردم را می بینیم، و تا مردم در این صحنه فعال نباشند، فضای سیاسی کشور کماکان آن طوری خواهد بود که ما بعنوان نیروی اپوزیسیون نمی پسندیم. بنابراین باید قبل از هرچیز به مردم مراجعه کرد.

اما در مورد دولت روحانی باید بگویم که با تمام شدن قضیه پرونده هسته‌ای، دولت وی زیر فشار بیشتری برای متحقق کردن وعده‌های دیگرش قرار خواهد گرفت، و این خوب است. و چنانکه اشاره شد وی تمایل دارد در بعضی زمینه‌ها کارهایی انجام دهد، بویژه در زمینه عادی کردن بیشتر حضور اصلاح طلبان در صحنه سیاسی کشور و آزادی آقایان موسوی و کروبی از حصر. اما در مورد اصل آزادی احزاب در شکل دمکراسیهای موجود جهان، من فکر می کنم که وی نه مایل باشد و نه بتواند کاری کارستان انجام دهد، و این نه فقط بدلیل قوانین جاری و یا ماهیت رژیم نیست، بلکه به علت تاریخ نوع رابطه اپوزیسیون و رژیم نیز می باشد. با روحیه‌ای که در هر دو طرف غالب است، ایجاد چنین فضایی که در آن همه بتوانند بدون دشمنی با هم حضور داشته باشند، غیرممکن است. پس وجود دمکراسی مقبول جهانی در کشور ما به تغییرات عمیقی در همه نگاهها بستگی دارد که من فکر نمی کنم متأسفانه فعلا در آن مرحله قرار داشته باشیم.

- به نظر شما انجام این توافق تا چه حد میتواند در رفع و بهبود دشواریهای اقتصادی و معضلاتی مانند فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی موثر واقع شود و چقدر میتواند راهبرد سیاسی- اقتصادی دولت را متحول و بر جهت گیری آن نقش داشته باشد؟

فکر می کنم در یکی از سئوالات به این مسئله جواب داده‌ام.

- اگر توضیح دیگری را لازم می دانید برای خوانندگان سایت کارآلاین در خصوص توافق هسته ای در میان بگذارید، بفرمایید.

ممنون، می خواستم به نکته‌ای اشاره کنم و آن هم برخورد بخشی از اپوزیسیون به توافقنامه می باشد. ببینید به نظر من اپوزیسیون بودن به این معنی نیست که از هر عمل دولت بعنوان بهانه‌ای برای زدنش استفاده کرد. خوب است همه ما یاد بگیریم که کاری که خوب است بگوئیم خوب است، فارغ از اینکه هر کسی آنرا انجام می دهد. به نظر من اگر هیئت را تا آخر مقاومت نمی کرد و جانی با متفقین به مصالحه می رسید و جهان با این کارش زودتر به صلح می رسید، خیلی بهتر از آن بود که تصمیم گرفت تا آخر مقاومت کند، که با این کارش هم خرابیهای بیشتری به بار آمد و هم مردم بیشتری قربانی وحشیگریهای جنگ شدند. متأسفانه نوع دیدگاه و روحیه بخشی از اپوزیسیون هنوز دیدگاه و روحیه‌ای سنتی است که در آن حب و بغض دارای جایگاه قوی در ارزیابیهاست.

توافق هسته ای ...

ادامه از صفحه ۱۲

بی سرپناه و بدون خانواده در خیابانها زندگی می کنند. و در مقابل دولت میلیاردها خرج سرپا ماندن دیکتاتوری مانند بنشار اسد می کند. چنین وضعیت اسفناک برای بخشی از مردم کشورمان تداوم خواهد داشت، مادام که این نظام بر کشور حاکم است. هم اکنون دولت، بنیادها، سپاه و رانت خواران رنگارنگ بر تقریباً تمامی اقتصاد کشورچنگ انداخته اند. سالهاست که دشواریهای اقتصادی و حیف و میل ثروتهای کشور، در ابعاد صدها میلیاردی، با حیات نظام جمهوری اسلامی عجین شده است. مادام که چنگال این خونخواران بر پیکراققتصاد ایران فرو رفته است، نباید انتظار بهبود داشت.

- اگر توضیح دیگری را لازم می دانید برای خوانندگان سایت کارآلاین در خصوص توافق هسته ای در میان بگذارید.

دو نکته را باید متذکر شوم:

الف - توافق هسته ای نقطه صفر نیست؛

ب - هر سیاستی که اجرا می شود، مسئول و پاسخگو دارد.

الف - این توافق نقطه صفر نیست. چرا که گذشته ای ۲۰ ساله را پشت سر دارد. نمی توان فقط در لحظه حاضر و بدون دیدن و تحلیل رویدادهای ۲۰ ساله پروژه هسته ای نظام، به توافق با ۱+۵ نگاه کرد. نمی توان تنها به این بسنده کرد که، توافق صورت گرفته خطراتی را منتفی کرده و امکان بهتر شدن وضعیت اقتصادی و معیشتی بخشی از مردم را هم فراهم خواهد آورد. همه نیروهای آزادیخواه باور دارند که زندگی معیشتی مردم و وضع اقتصاد کشور، بمراتب بهتر از این بود، اگر صدها میلیارد صرف این پول این پروژه بی سرانجام و سرپا زینبار نمی شد. باید این سوال طرح شود که چه کسی مسئول این پروژه زینبار و بدون سرانجام بوده است.

ب - مسئول اصلی این پروژه زینبار کیست؟ آیا شکی وجود دارد که شخص ولی فقیه، آقای خامنه ای مسئول این پروژه بوده است؟ براساس قانون اساسی، برنامه ریزی و هدایت سیاست های کلان در اختیار ولی فقیه می باشد، و آقای خامنه ای در استفاده از این اختیار قانونی کوتاهی ای نکرده و نخواهد کرد. خوب اگر قبول داشته باشیم که این پروژه بی سرانجام، زینبار و مغایر معیارهای حفظ محیط زیست بوده، اگر قبول داشته باشیم که این پروژه کشورمانرا منزوی تر کرده و امکانات فراوانی را سوزانده است، آیا نباید مسئول مستقیم و قانونی این فاجعه شناخته و افشا شود و پاسخگو باشد؟ اگر جواب مثبت باشد، قبل از اینکه از این امضای توافق " شادمانی کنیم، باید خواهان پاسخگویی و برکناری ولی فقیه شد.

و اگر در چنین لحظاتی این خواست برنامه ای سازمان را به صدای بلند اعلام نداریم، پس کی باید برنامه خود را، که در چندین کنگره تحت عنوان؛ ولی فقیه باید برود؛ دیکتاتور باید برود و یا نه به ولی فقیه؛ بگوش مردم رسانده و گام در جهت عملی کردن آن برداریم. آیا مصوبات کنگره تنها برای ثبت در تاریخ است یا پرچمی برای تغییر تاریخ؟ آیا شعارهای استراتژیک مصوب کنگره ها تنها برای تزئین است، یا راه کاری برای سیاست ورزی؟

و اگر غیر این کنیم، که کردیم، پس تفاوت مایی که خود را اپوزیسیون می نامیم، با پوزیسیون و دست اندر کاران رژیم در چیست؟ نظام در تمام دوران حیاتش دست به بحران سازی و ماجراجویی زده ودر آینده هم خواهد زد. ولی هر زمان که در تنگنا قرار گرفته و خطر فروپاشی و یا برآمد توده ای را پیش چشم می بیند، دست به عقب نشینی می زند. و حقا هم باید بگویم که رژیم توانایی زیادی را برای پیش بینی رویدادهای احتمالی آینده و تدوین سیاست برای جلوگیری و یا حل بحران دارد.

از این عقب نشینی ها می توان مانند جنگ ایران و عراق را مثال زد. از یک طرف ماجراجوی کرده، فرصت های زیادی را سوزانده و به کشور زینبهای جبران ناپذیر وارد آورده، و از طرف دیگر در بوق کرنا می دمد، که توانستیم بر بحران غلبه کرده و پیروز شویم. درست در همین زمان است که اپوزیسیون باید بیشترین حمله را به نظام و سیاست های خانمانسوز او انجام دهد. نظام در آینده قطعاً بار دیگر دست به چنین ماجراجویی های بی سرانجام و زینبار خواهد زد. اپوزیسیون باید از تمام توانش برای تکرار این سیاست های زینبار جلوگیری کرده، یا اینکه هزینه رژیم را برای اتخاذ چنین سیاست هائی بیشتر نماید.

توافقی مثبت ...

ادامه از صفحه ۸

که اکنون رهبرانش چندین سال است، که در حصر هستند. روحانی اگر بخواهد به وعده های خود وفادار بماند و نشان دهد که میخواهد در جهت خواست رای دهندگانش حرکت کند، باید تلاش بکند و نشان دهد که میخواهد در جهت رفع حصر رهبران جنبش سبز و آزادی تمامی زندانیان سیاسی حرکت میکند. تا نشانه های واقعی نبینیم، نباید ارزیابی خوشبینانه ایی ارایه داد. متأسفانه در عرصه تلاش برای گسترش فضای باز سیاسی کارنامه دولت آقای روحانی مثبت نیست.

- فکر میکنید فضای سیاسی بعد از توافق با پیش از آن به کدام جهت سمتگیری کند، به طرف باز شدن یا بسته شدن؟

من فکر میکنم، که نظام جمهوری اسلامی در کلیت خود، تلاش خواهد کرد که توافق هسته ایی موجب آزادی فضای سیاسی را فراهم نیارد. تاکنون هم هیچ نشانه ایی بروز نکرده است، که موجبی بر تحلیل غیر از این باشد، که جمهوری اسلامی میخواهد فضای سیاسی را باز بکند. فشارها همچنان بر فعالین و نهادهای سیاسی دگر اندیش ادامه دارد. اما باید در نظر گرفت، که آقای روحانی و دولتش طی وعده هایی و با ائتلاف نوشته یا نانوخته با بخش بزرگی از پایگاه اجتماعی جنبش سبز و اصلاح طلبان روی کار آمده است. با سرد شدن فضای جشن و شادی ناشی از توافق هسته ایی، نیروهای اجتماعی مختلف تلاش و مبارزه اشان را برای احقاق خواسته هایشان ادامه خواهند داد.

در کشور تا توافق هسته ایی، که گره خورده بود با تحریمهای کمر شکن و خطر جنگ، که اگر توافقی صورت نمیگرفت، میتوانست بر سرنوشت و آینده کشور تاثیر بسیار منفی بگذارد، مردم بخاطر گره خوردگی منافع ملی با سرنوشت مذاکرات هسته ایی، در حالت صبر و انتظار نشسته بودند. اما با حل موضوع هسته ایی و بدست آمدن توافق قطعا دنبال مطالبات خود خواهند بود. من فکر میکنم، با توجه به وعده هایی که دولت روحانی داده است و با توجه به وجود نیروی خیلی قوی خواهان تحول سیاسی در کشور، حاکمیت قادر نخواهد شد، فضای سیاسی را مسدود کند. مبارزه و تلاش مردم به سود باز شدن فضای سیاسی خواهد بود، تا بسته شدن فضای سیاسی.

- به نظر شما انجام این توافق تا چه حد میتواند در رفع و بهبود دشواریهای اقتصادی و معضلاتی مانند فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی موثر واقع شود و چقدر میتواند راهبرد سیاسی- اقتصادی دولت را متحول و بر جهت گیری آن نقش داشته باشد؟

فکر میکنم به این پرسش شما، من در بالا پاسخ داده ام. دولت با توجه به وعده هایی که داده است و با توجه به انتظاراتی که در جامعه برای فردای توافق هسته ایی به وجود آورده است. قطعا موظف به تلاش برای رفع و بهبود دشواریهای اقتصادی و سایر معضلات کشور باید باشد. اینکه چقدر راهبرد سیاسی- اقتصادی دولت متحول شود، بستگی به مبارزه و تشکل یابی اقشار زحمتکش جامعه دارد. نباید حتی یک لحظه هم مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان برای تشکل یابی خود و تلاش برای احقاق حقوق و مطالبات خود تعطیل شود.

فعل و انفعالات و تحلیل درست از نیروهای حاکمیت برای پیش برد مبارزه اهمیت دارد. در پیشبرد مبارزه دمکراسیخواهانه مردم ایران تحولات و تقویت گرایشهای اصلاح طلبانه در حاکمیت اهمیت دارد. اما تمامی تحولات جامعه را به تحولات حاکمیت گره زدن، و تقلیل مبارزه مردم برای دمکراسی و مطالبات اجتماعی و اقتصادی اشان را به میدان اختلافات در حاکمیت به شدت به زیان تحولات دمکراسیخواهانه کشور است. نیروهای چپ و دمکرات باید صدای وجدان جامعه در برابر حتی معتدل ترین و اصلاح طلبترین نیروی حاکمیت باشند.

بیرون آوردن ...

ادامه از صفحه ۱۴

۱۶هرچند اگر وی باز بخواهد آن را تاکتیک و نرمش فهرمانانه بخواند. باید توجه داشت که فقر و بیکاری و شکاف طبقاتی تنها از زمان تحریمها بوجود نیامده اند و به شکل گسترده ای قبل از آن هم وجود داشته اند، اما می توان گفت تحریمها موجب گسترش آن ها شده است. همانطور که توضیح دادم پاسخ به این دسته از مشکلات اقتصادی نیازمند رفرم در برخی از قوانین و بازنگری در برخی از رویکردهای جمهوری اسلامی خواهد بود که چنین حادثه ای حداقل در زمان نزدیک بعید به نظر می رسد. مگر اتفاقات غیر منتظره که موجب به هم خوردن تعادل قوا در جمهوری اسلامی گردد.

-اگر توضیح دیگری را لازم می دانید برای خوانندگان سایت کارآلاین در خصوص توافق هسته ای در .میان بگذارید، بفرمایید.

اگر قرار بود من بجای جمهوری اسلامی با ۱+۵ وارد مذاکره شوم بی تردید روش دیگری در پیش می گرفتم. غنی سازی محدود به کشورهای غربی اختیار می دهد که مدام ما را زیر نظر داشته باشند، از پایگاههای نظامی تا مراکز تحقیقاتی کاملا زیر نظر آن ها خواهد بود. این نکته جدا از اینکه می تواند گاهی ایجاد بحران و تنش کند و خطر بر هم خوردن توافق را افزایش دهد، در بازار رقابتی امروز چندان به نفع کشور ما عمل نخواهد کرد. تصمیم به توقف کامل غنی سازی نه تنها همه تحریمها را لغو می کرد بلکه در مقابل درخواست عمده ما که برداشتن تحریمها بود می توانستیم امتیازها دیگری طلب کنیم که به رشد و شکوفایی اقتصادی ما یاری رساند.

آدرس پستی:

L.G.e.v

Postfach 260268

50515 Köln

Germany

شماره حساب بانکی:

L.G.e.v : دارنده حساب بانکی:

شماره حساب: ۲۲۴۴۲۰۲۲

کد بانک: ۲۷۰۵۰۱۹۸

نام بانک:

Stadtsparkasse Köln-Bonn

IBAN: DE33 37050198 0022 442032

SWIFT-BIC: COLSDE33

آدرس تماس با پست الکترونیک: karrooznamehi@gmail.com

آزادی، عدالت اجتماعی، دمکراسی و سوسیالیسم